

سخنان رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه
در کردستان

آنچه که در هفته گذشته جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت در باره بحران کردستان بر زبان راندند، مدو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد.

۵۰ صفحه ۲

اعدام پرسنل انقلابی ارتش
به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را به خاطر چه
و به سوی چه کسانی می چکانند!

از آغاز جنگ خونین اخیر در کردستان، ارتش دچار تب و تاب و جوش کم سابقه است سربازان درجه داران و افسران جز انقلابی که حاضر نیستند به هیچ قیمت دست خود را به خون زحمتکشان میهنشان بیالایند، پادگانها را به عرصه فعالیت ترقیخواهان و افشاگرانه خود بدل انقلابی که حاضر نیستند

بقیه در صفحه ۱۶

برای مقابله با امپریالیسم امریکا
اتحاد همه زحمتکشان
یک ضرورت تاریخی است

امروز میهن ما یکی از پراهمیت ترین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است. مبارزه شورانگیز مردم ما تاکنون به پیروزیهای چشمگیری دست یافته است. این مبارزه اینک از مرزهای ایران گذشته و در ابعاد جهانی توجه صدها میلیون زحمتکش در بند جهان سرمایه داری و توجه همه نیروهای مترقی جهان را به خود جلب کرده است. این مبارزه امروز تاروپود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را به لرزه در آورده است. پیروزی یا شکست مبارزات مردم ما تاثیری عظیم بر مبارزه پرولتاریای جهانی، خلقهای زیر سلطه جهان و کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی و دولت های دست نشانده آن دارد و هم از این رو است که زحمتکشان جهان، احزاب و سازمان های ترقیخواه جهان اردوگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما بی دریغ و قاطعانه حمایت می کنند و عمیقاً نگران سرنوشت آن هستند و باز از همین رو است که همه دولت های امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی و دست نشانده جهان در پشت سر امپریالیسم امریکا و علیه مردم ما صف آرای گردانند.

وقتی به اهمیت این مبارزه سرنوشت ساز، به پیوند عمیق آن با مبارزه پرولتاریای جهانی و نیروهای ترقیخواه علیه سرمایه داری جهانی و به تاثیری که هر گام از پیروزی و یا شکست آن بر سرنوشت صدها میلیون زحمتکش ایران و جهان دارد بیاندیشیم، بیش از پیش به اهمیت سیاستهای درست و حرکات و موضعگیری های اصولی نیروهای ترقیخواه میهنمان پی می بریم و بیش از پیش درمی یابیم که هراشتباه نیروهای ترقیخواه سیاسی که بر پیکر این جنبش خراش وارد می کند، چه ابعاد خیانت آمیزی به خود می گیرد و بر عکس هر تلاشی که این جنبش را گامی به جلو راند و این سنگر مبارزه را متحد و استوارتر سازد چه خدمتی عظیم در راه آرمان پرولتاریای ایران و جهان و خلق های ستمدیده ایران و جهان به حساب می آید. وقتی عمیقاً به این واقعیت ها توجه می کنیم سنگینی، حساسیت و عظمت مسئولیتی که تاریخ بر دوش فرد فرد عناصر آگاه و مبارز جنبش کمونیستی ایران گذاشته است،

بقیه در صفحه ۲

نودمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



مرگ برتر از بردگی است
در سراسر وطنم
باردیگر پرچم های سرخ در اهتزازند
و درست در این لحظه
باید در درون زندان به سر برم
کی از زندان رها خواهیم شد
تا نقش خود را در جنگ برعهده گیرم
از یادداشت های زندان -
رفیق هوشی مین

نودمین زادروز رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام، انترناسیونالیست و میهن پرست انقلابی گرامی باد. یاد رفیق هو و مبارزاتش همواره الهام بخش مبارزات طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان خواهد بود.

در این شماره:

یادداشتی از سرپوروز به کردستان
مردم کران مرکز بودند، خبر تأثیرات "۱۹۷۵" برای همه معلوم کرد
که جنگ ایران به آسانی دست از سر خلق لاد بر نخواهند داشت.
آنجا که شوراها واهی کارگری بر کارخانه حاکم است
کارگران باید با افزایش تولید و بهره وری کار، مانع
تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند
گزارش از اراک:
مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

چه کسانی
به جای صلح، جنگ را دامن می زنند؟
یازدهمین اجلاس
"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"
باموفقیت به کار خود پایان داد
گرایشات آنارشستی
و سندیکالیستی "پیکار"

نقش اوپک در مبارزه
علیه امپریالیسم!

اخیرا کنفرانس اوپک در طائف یکی از شهرهای عربستان سعودی برگزار شد. عربستان سعودی با جمعیتی نزدیک به ۹ میلیون نفر بزرگترین صادر کننده نفت در کشورهای عضو اوپک است. کشورهای امپریالیستی با همکاری رژیم حاکم بر نزدیک به ۹ میلیون نفر

بقیه در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

تکمیل سازمان دانشجویی و فرهنگی

سخنران رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاچه اندازه برای بهررفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه "جنگ تحمیلی" را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاچه اندازه برای بهررفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه "جنگ تحمیلی" را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال

این حقیقت که بحران کردستان با راه حل های نظامی نمی تواند خاتمه یابد در عین حال از آموزش های بزرگ تاریخی نیز ناشی می شود. خلق کرد امروز متشکل و سازمان یافته است و بر حقوقی که سالهای متمادی برای آن مبارزه کرده است آگاهی و ایمان کامل دارد.

جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت درباره بحران کردستان بر زبان راندند دو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد. در کنار نیروهایی که آشکارا از جنگ و ادامه جنگ در کردستان سخن گفتند، رئیس جمهور، ضمن تأکیدهایی که بر اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با کسانی که این حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار داده اند کرده، از امکان تحقق صلح آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و تأکید کرد که امکان حل صلح آمیز بحران کردستان وجود دارد و باید از چنین امکانی بیشترین بهره گیری را کرد. رئیس جمهور با انتخاب داریوش فروهر برای مذاکرات صلح کردستان گام عملی مثبتی به جلو برداشت. این به گمان ما، بخش از مواضع رئیس جمهور از جانب همه آن کسانی که قادرند بحران کردستان را در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا به سرگردمی امپریالیسم آمریکا مورد بررسی قرار دهند نمی تواند مورد استقبال قرار نگردد.

برای مقابله با امپریالیسم

امروز از سوی مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا در ابعاد وسیع جریان دارد و خلق ما در این مبارزه دشوار از حمایت همه نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار است و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا با تکیه بر طبقه سرمایه دار ایران و به کمک انبانی خود و شبکه های جاسوسی خویش که حتی الامکان تقویت کرده است همه نیرو و تجربه خویش را برای دلسرد کردن و سرخورده ساختن زحمتکشان ما از افزایش دهد و این تومر را در بخش هایی از مردم که هنوز به آگاهی کافی نرسیده اند، ایجاد کند که گویا رژیم سرسپرده بختیار می توانست شرایطی بهتر از امروز برای مردم فراهم سازد و در همین حال با تبلیغات گسترده خویش از رادیوها و مطبوعات رسمی و غیر رسمی خویش و از بلندگوهای دولت های ارتجاعی از یک طرف تلاش دارد زمینه های اقدامات نظامی را در ایران فراهم سازد و از طرف دیگر روحیه بازماندگان رژیم سابق، طبقه سرمایه دار ایران، زمینداران بزرگ و فرماندهان امریکایی ارتش و هزاران ساواکی را تقویت کند و با بهره برداری از سیاست های نادرست دولت و حرکات سرکوبگرانه آن و ناراضی رو به افزایش مردم، زمینه را برای نیرو گرفتن و به قدرت رساندن محافل وابسته به خود هموار سازد.

بقیه از صفحه ۱

دست نشانده خود را در ایران بر سر کار آورده و بدین ترتیب جنبش ضد امپریالیستی خلق های ایران را با خطر جدی روبرو ساخته و سرکوب کند. با این چشم انداز است که اوضاع و شرایط کنونی میهنمان را بسیار حساس می بینیم. روزهایی سرنوشت ساز در پیش داریم. روزهایی که هر نیروی ترقیخواه و ضد امپریالیست و هر کس که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد باید با احساس مسئولیت کامل و به دور از هرگونه ناشکیبایی و داوری های عجولانه به استقبال آن برود و اگر نه می تواند اشتباهاتی مرتکب شود که تاریخ از آن به عنوان خیانت یاد خواهد کرد. با این چشم انداز می بینیم که بیش از هر زمان دیگر باید همه سلاحها و قلمها به سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن نشانه رود و باید کاری کنیم که چنین شود.

امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر بر آن شده اند که به هر قیمتی شده مبارزه طبقاتی مردم ما را علیه امپریالیسم به مبارزه میان صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی وحدت خلقها و زحمتکشان ایران را خدشه دار سازند. امپریالیسم جهانی می کوشد مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری و مبارزه دهقانان زحمتکش را علیه زمینداری بزرگ به مبارزه میان خلقها، مبارزه میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست تبدیل سازد و تا آنجا که می تواند در صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست شاکاف ایجاد کند. و این در حالی است که محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه که فاقد هرگونه تجربه سیاسی بوده و بخاطر اعمال و حرکات ضد دمکراتیک و خشونت بار خود تاکنون میلیون ها تن از مردمی را که در جریان سرنوشتی شاه فعالانه در مبارزه شرکت داشتند منتقل ساخته و یا به طرفداری از جبهه لیبرالها واداشته است، هنوز به اعمال جنگ افروزان و ضد دمکراتیک خود ادامه می دهند و درست در برابر این محافل جریانات انحراف به چپ جنبش کمونیستی و لیبرالها روز بروز بیشتر به اعمال آوارشیستی و شعارهای سرنوشتی کشنده می شوند و ناگفته پیداست که این دو یبوسته بر هم تاثیر می گذارند و هر یک زمینه و بستر حرکات مخرب دیگری را فراهم می کند و اگر وضع بدین منوال پیش رود صفوف ضد امپریالیستی توده ها چنان تضعیف می شود و تشنج و درگیری و خشونت میان مردم چنان بالایی گیرد که نتیجه اجتناب ناپذیر آن قدرت گرفتن جبهه ضد انقلاب و به قدرت رسیدن حکومت دست نشانده امپریالیسم امریکاست.

ما رئیس جمهور را به این واقعیت توجه می دهیم که تلاش برای سرکوب نظامی خلق کرد و سازمان های سیاسی رهبری کننده آن چیزی جز آسیب رساندن جدی به هدفها و آرمان های مردم ما نیست و فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه از تجربه و آگاهی سیاسی و تاریخی برخوردار است که این را درک کند که بحران کردستان به هیچ رو از راه نظامی حل نخواهد شد بلکه اقدامات نظامی صرفا به گسترش جنگ برادر کشی دامن خواهد زد و ابعادی فاجعه آمیزتر از پیش

با این حال ما لازم می دانیم آشکارا اعلام داریم که دعوت به مذاکره رئیس جمهور راه اگر بخواید واقعا به پیش رانده شود اقدامی مثبت تلقی میکنیم و هم از آن استقبال به عمل می آوریم و آماده ایم در جهت پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنمان و تحکیم صفوف خلق های قهرمان ایران در راه استقرار صلح عادلانه که حقوق دمکراتیک مردم کردستان را زیر پا نگذارد و چارچوب مطالبات حق طلبانه آنان را درهم نشکند، از هرگونه کوششی کوتاهی نکنیم.

رئیس جمهور بازم حاضر نشد عاملین فاجعه ترور رهبران خلق ترکمن را به مردم معرفی کند

با اینکه آقای رئیس جمهور در مناظره تلویزیونی به مردم قول داده بود جنایتکارانی که رهبران خلق ترکمن را در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسانده اند معرفی و مجازات کند، اما تاکنون هیچ گامی در این جهت برنداشته است.

اخیرا رئیس جمهور در روزنامه انقلاب اسلامی چنین نوشته است:

"... روش رئیس جمهوری بر قاطعیت است... استوار ایستاده است تا حاکمیت دولت (یعنوان بنی صدر) درهمه جا برقرار شود. هیچ چیز را از یاد نمی برد. همانطور که در برابر این گروهها می ایستد، در برابر کسانی هم که خود را هوادار جمهوری اسلامی می دانند اما خود سری می کنند، می ایستد. به این گروه نیز هشدار می دهد که هنوز از یاد نبرده است که ۴ نفر در گنبد بدون آنکه سزاگانه بشوند، از بین برده شدند و هرقوت باشد عاملان این کار را پیدا می کند و به مجازات می رساند."

(انقلاب اسلامی - ۲۳ اردیبهشت) ما بار دیگر تأکید می کنیم که بدون معرفی و مجازات این جنایتکاران، این فجایع بازم اتفاق خواهد افتاد. آقای رئیس جمهور اگر واقعا خواستار آزادی، راه سیاسی و معانعت از اعمال جنایتکارانه باند های سپاه است، باید عاملین این جنایات را که برای رئیس جمهور کاملا شناخته شده هستند، به مردم ایران معرفی کند.

بر این اساس ما مصمیم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم و از تلاش های صلح طلبانهای که در برخی محافل حکومت دیده می شود استقبال می کنیم. ما موظفیم عناصر جنگ افروز را چه محافل جنگ افروز حکومت و چه آنها که با چپ رویها و حرکات آوارشیستی خود بزرگترین خیانتها را به جنبش ضد امپریالیستی خلق ما روا می دارند و زمینه رشد گرایشات ضد دمکراتیک و جنگ افروزانه جناحهایی از حکومت را فراهم می کنند و بدینسان جنگ ضد امپریالیستی مردم را به جنگ میان مردم تبدیل می کنند، افشا کنیم. ما مصمیم با توجه به مسئولیت عظیم سازمان با حرکات آوارشیستی و شعارهای سرنوشتی به ویژه حرکات چپ زده ای که توسط آوارشیستها در میان طبقه کارگر میهن ما دامن زدن می شود به گونه ای همجانبه مبارزه کنیم. ما باید کاری کنیم که به جنایتکارانی که دستور کشتار دانشجویان زندانی را می دهند باند های سپاه را رهبری می کنند و می خواهند جنگ داخلی راه بیندازند، بتوانند مبارزات درخشان خلق ما را به انحراف کشند و یکه تاز میدان قدرت باشند و دمپروها و عناصری که با حرکات چپ روانه خود عملا در کنار امپریالیسم قرار گرفته و بزرگترین ضربات را به جنبش میهن ما وارد می سازند، بتوانند جنبش را به انحراف کشند، امروز طبقه تک تک اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در این راه بکوشند و با قاطعیت و ایمانی استوار به میان مردم بروند و آنان را از حقایق آگاه سازند و طریق دوستی را که باید در پیش گیریم، تبلیغ و ترویج نمایند.



به جرم داشتن عقاید سیاسی معلمان را اخراج می‌کنند!

نقش اوپک در مبارزه با...

بقیاض صفحه ۱

می‌توان در تصمیم‌گیری کشورهای اروپای غربی و ژاپن در مورد تحریم اقتصادی ایران و یا تحریم مبادلات تجاری با شوروی به خوبی مشاهده نمود.
در کنفرانس اخیر اوپک در طائف جناح مترقی و ضد امپریالیست توانست تا حدودی نظریات خود را پیش برد و برای بررسی همه‌جانبه‌تر مسائل نفت پیشنهاد شد که وزیران خارجه کشورهای امپریالیستی و نفت و دارایی کشورهای اوپک برای بررسی روابط کشورهای تولیدکننده نفت و مصرف‌کنندگان عمده صنعتی کنفرانسی تشکیل دهند. همچنین تصویب شد که برای قیمت گذاری نفت خام اوپک با توجه به تورم و تغییر ارزشها و میزان رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی سیستمی تعیین شود یکی از مهمترین تصمیمات کنفرانس اوپک در طائف چنین بود که هیچ یک از کشورهای عضو اوپک میزان تولید خود را برای جبران کاهش تولید نفت ایران افزایش ندهند.

تصمیم دیگر اوپک به نقل از مصاحبه معین فر وزیر نفت (اطلاعات ۲۵ اردیبهشت ۵۹) در مورد پیوند دادن قیمت گاز صادراتی کشورهای عضو اوپک با بهای نفت خام بود. طبق این تصمیم افزایش آتی قیمت گاز تابع افزایش قیمت نفت می‌گردد. کنفرانس مشترک ایران - الجزایر - لیبی برای ایجاد جبهه مشترک در سیاست‌های صادراتی نفت در تضعیف کشورهای نظیر عربستان سعودی بی تاثیر نبوده است و اقدامی در جهت مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اتحاد عمل این کشورها در گام‌های نخست خود سبب افزایش قیمت گاز صادراتی الجزایر شد. این اتحاد عمل در کنفرانس طائف اثرات خود را در افزایش قیمت‌های نفت و گاز و کاهش تولید و صادرات نفت خام برجای گذاشت. و همچنین کوشی در جهت قیمت‌گذاری واقعی نفت بود.

عربستان سعودی روزانه نزدیک به ۹/۵ میلیون بشکه نفت خام مردم عربستان را چپاول می‌کنند و اکثریت مردم عربستان در ابتدائی‌ترین شرایط زندگی به سر می‌برند. سیاست نفتی رژیم حاکم بر عربستان سعودی به عنوان اهرمی علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست عضو اوپک بکار می‌رود. رژیم حاکم بر عربستان سعودی سیاست دیکته شده توسط انحصارات امپریالیستی را مو به مو اجرا می‌کنند. نقش دولت عربستان و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم در اوپک، در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی با بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دست به گریبان است، بیش از هر زمان متوجه سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اکنون کمبود و گرانی منابع انرژی و به ویژه نفت به شکل حادی بروز کرده است و مستقیماً در مجموع سیستم تولیدی امپریالیسم تاثیر می‌گذارد و در جهت تشدید بحران کشورهای امپریالیستی عمل می‌کند.

مبارزه ضد امپریالیستی رو به گسترش خلق‌های سراسر جهان مواضع کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در اوپک را تقویت نموده و اکنون جناح نیرومندی را در اوپک تشکیل داده است. تا جایی که دیگر سیاست انحصارات امپریالیستی که از طریق کشورهای نظیر عربستان سعودی بر اوپک اعمال می‌شد نمی‌تواند بطور یکجانبه به پیش رود. وابستگی مطلق کشورهای امپریالیستی به ویژه اروپای غربی و ژاپن به نفت صادراتی کشورهای اوپک و رشد مبارزه ضد امپریالیستی در کشورهای عضو اوپک، که در کاهش تولید و افزایش قیمت نفت صادراتی خود را نشان می‌دهد بحران انرژی را عمیق‌تر کرده است. بحران انرژی در شرایط کنونی بیش از هر زمانی سبب تشدید تضادهای کشورهای امپریالیستی شده است. و ایجاد این تضاد را

زندانی می‌انداختند و شکنجه می‌کردند؟
۵- من ۱۷ سال در بدترین شرایط در ایلات و روستاهای فارس معلم بوده‌ام بر علیه رژیم شاهنشاهی جنگیده‌ام - زندان رفته‌ام شکنجه شده‌ام و اکنون هم با عوامل خان و عوامل ساواک در ستم‌ها. آیا شما چنین افرادی را نمی‌توانید تحمل کنید؟ من چنین نامه‌ای خصوصاً آمل را توهین به مقام معلم می‌دانم و علیه مومنی مدیر کل آموزش عشایر و کنترائی معاون وزارت خانه اعلام جرم می‌کنم وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولین قضائی موظفند در قبال این مسئله پاسخگوی تصمیمات خود در برابر مردم عشایر - فرهنگیان و دانش‌آموزان و دانشجویان باشند.

رونوشت به نشریه "گار"

بسمه تعالی
آقای اشکیوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران اداره کل آموزش عشایر! به موجب دستور تلفنی بامداد روز ۳۰ فروردین ۵۹ جناب آقای کنترائی معاونت محترم وزارت آموزش و پرورش هیچگونه سستی در وزارت آموزش و پرورش ندارید.
خلیل مومنی
مدیرکل آموزش عشایر

اخیراً در وزارت آموزش و پرورش، برای سرکوب آزادی اندیشه و عقاید سیاسی به اخراج معلمان و دبیران آموزش و پرورش دست می‌زنند. این شیوه سرکوب که نشانه ورشکستگی ایدئولوژیک و اخلاقی طراحان آن است، بدون تردید با اعتراضات و سیع مردم، معلمان و دانش‌آموزان روبرو خواهد شد و شکست و رسوائی حتمی طراحان آن را به دنبال خواهد داشت در زیر نامه یکی از دبیران آموزش و پرورش را به وزیر آموزش و پرورش که در اعتراض به اخراج خود نوشته است، می‌خوانید

۳- مگر در دوران انقلاب می‌توان هنوز به سبک و سیاق "ساواک" در ادارات و مدارس تفتیش عقاید کرد؟ آیا این مخالف نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی نمی‌باشد؟ چگونه می‌شود هنوز در اطاق‌های در بسته با ۳ نفر جلسه گرفت و به نام کمیته پاکسازی؟ انقلابی‌ترین و مبارزترین معلمان را اخراج تهدید و اخطار داد؟ آیا نباید ماهیت اعضای کمیته به اصطلاح پاکسازی برای مردم عشایر و معلمان و کارمندان، دانش‌آموزان مشخص گردد؟ آیا امکان ندارد وابستگی رژیم شاه و رستاخیزی‌های دوران سیاه دیکتاتوری در راس چنین کمیته‌هایی قرار گرفته باشند؟
۴- راستی در جمهوری اسلامی هر معلمی که بر علیه ساواکی‌ها - طاغوتی‌ها و فتوادل‌ها افشاگری کرد و مبارزه نمود باید به دست‌شما تصفیه گردند؟ پس چه فرق است بین شماها و حکومتگران قبلی که معلمان مبارز را از کار برکنار می‌کردند و به

جناب آقای رجائی وزیر آموزش و پرورش ایران
احتراماً، در تاریخ دوم اردیبهشت ماه جاری از طرف اداره کل آموزش عشایرنامه‌ای کوتاه با امضای آقای مومنی مدیر کل آموزش عشایر به دستم رسید که مضمونش چنین است "آقای اشکیوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران طبق دستور تلفنی آقای کنترائی معاونت وزارت آموزش و پرورش از این تاریخ هیچ سمتی در آموزش و پرورش ندارید. ۱۹۱۹؟ خیلی جالب و بحث‌انگیز است! برای هر انسانی این سؤال مطرح می‌شود:
۱- مگر کارمندان و فرهنگیان آموزش و پرورش تلفنی استخدام شده‌اند که باید تلفنی برکنار شوند؟
۲- مگر می‌شود در جمهوری اسلامی که خودش را طرفدار قانون الهی و انسانی می‌داند بدون محاکمه، بدون دلیل، به صورت شاهنشاهی کارمندان را و معلمان را عزل و نصب کرد؟

تجاوز به حقوق دهقانان زحمتکش «پیرلوانگوت»

اردبیل

لیکن هیچ نتیجه‌ای از این شکایات عایدشان نشده است. مسئولین ژاندارمری و پاسداران منطقه از همان ابتدا جانب غاصبین زمین را گرفته‌اند و به شکایات روستائیان هیچ ترتیب اثری نداده‌اند.

روستائیان مرفه این زمینها را غصب کرده و کاشته‌اند. زحمتکشان روستا برای جلوگیری از تجاوزات آنها، تاکنون بارها بطور دسته‌جمعی به "گرمی" و "تازه‌کند" رفته و به ژاندارمری و سپاه پاسداران شکایت برده‌اند.

"پیرلوانگوت" از روستاهای شهر اردبیل است در این روستا زمینی بوسعت ۱۲۰۰ هکتار وجود دارد که به تمام روستائیان تعلق داشته و برای چرانیدن گوسفندان بطور جمعی مورد استفاده واقع می‌شده است در چند ماهه اخیر دو تن از

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم جهانی

علیه مردم ما بسیج شده‌اند.

چندی است که تبلیغات امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن دامنه و وسعت چشمگیری یافته است. اینک دشمنان مردم که منافع خود را در معرض نابودی می‌بینند سازمان یافته تر و بی‌پروا تر دست به کار شده‌اند. رادیوهای تبلیغاتی امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن کوشش می‌کنند با به راه انداختن تبلیغات پر سر و صدا به اتکای خواست‌های برآورد نشده مردم و با بهره‌گیری از ناراضی‌ها و عصبان‌های در حال گسترش آنان نیت پلید خود را پیش برند. سیاست تبلیغاتی آنان هدف‌های زیر را دنبال می‌کند.

۱- با پخش اخبار و مطالب نادرست سعی دارد تا جهت و سمت مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنمان را از سنت اصلی خود منحرف کرده و توده‌ها را از ایستادگی مبارزات خویش دل‌سرد کند.

۲- مخدوش کردن مرز میان دوستان واقعی مردم با دوستان و جاسوسان امپریالیسم.

۳- ضربه زدن به مبارزات حق طلبانه خلق‌ها و لوث کردن مبارزات برحق آنان، به ویژه لطمه وارد کردن به جنبش مقاومت خلق کرد.

۴- کسب حیثیت برای خود از طریق نزدیک جلوه دادن خود به نیروهای انقلابی.

۵- اشاعه و رواج فرهنگ مبتذل.

۶- سازماندهی و هدایت ایادی امپریالیسم در ایران. با توجه به اهداف این سیاست، افشای نیت پلید امپریالیسم که با کمک دوستان و جاسوسان داخلی تبلیغ می‌شود، جزء وظایف انقلابی نیروها و سازمانهای ترقیخواه است. وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای مردم نقشه‌های جدید تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و عواملش مانند بختیار را توضیح دهند. و نگذارند امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن مردم ما را بفریبند.

اقدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را ... بقیه از صفحه ۱۶

منصور حاج قاسمی همچنانکه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه نیز درج شده است، صرفاً به خاطر مبارزه برای ایجاد شوراها و داشتن معتقدات سیاسی ترقیخواهانه بوده است.

ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی، تنها به این دلیل اعدام گردید که معتقد بود:

"باید بدانند ماشه را به خاطر گی و به سوی چه کسانی می‌چکانند!"

پرسنل انقلابی ارتش اعتقاد دارد که کشف تمامی توطئه‌های طرفداران شاه و امپریالیسم آمریکا در درون ارتش و کوشش در جهت اتحاد عمل با نیروهای ضد امپریالیست درون ارتش به منظور خنثی کردن امپریالیسم آمریکا است.

یازدهمین اجلاس

"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

باموفقیت به کار خود پایان داد

یازدهمین نشست اعضای اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی برداشت محصول، وظایف و برنامه شوراها، دهقانی در فصل درو، و ... در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۵۹ برگزار شد و با اتخاذ تصمیمات مهمی باموفقیت به کار خود پایان داد.

شرکت کنندگان در "اجلاس" ابتدا، با اعلام یک دقیقه سکوت، خاطره شهدای به خون خفته خلق، از جمله شهیدان جنگ تحمیلی اخیر ترکمن صحرا را گرامی داشتند. آنگاه یکی از اعضای "اتحادیه"، برگزاری یازدهمین اجلاس آن را شادباش گفت و سخنانی درباره اهمیت شوراها و اتحادیه سراسری بیان داشت و گفت:

"اتحادیه سراسری" که در راه کسب حقوق از دست رفته دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا مبارزه می‌کند همواره با کینه و دشمنی زمینداران بزرگ روبرو بوده است. این دشمنی برای ما دهقانان و زحمتکشان نشانه حقانیت "اتحادیه سراسری" است. ما تلاش و توطئه‌های زمینداران بزرگ را برای درهم شکستن "اتحادیه سراسری" خنثی خواهیم کرد و بر آنان پیروز خواهیم شد. اعضای اتحادیه سپس به بحث و بررسی پیرامون مسائل مختلف پرداختند. برداشت محصول و نقش "اتحادیه سراسری" در این رابطه، جنگ تحمیلی کردستان، حمله به دانشگاهها به بهانه انقلاب فرهنگی، کوشش سراسری برای نابودی تشکلهای صنفی - سیاسی دانشجویان، شکست تجاوز نظامی آمریکا، اهمیت اول ماه مه و نقش طبقه کارگر در

پیروزی مبارزات زحمتکشان روستا، از جمله مسائل مهمی بود که مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اعضای "اتحادیه" ضمن سخنرانی در مورد اهمیت سیاسی و اقتصادی برداشت محصول، خاطر نشان ساخت که:

"مسئله درو و برداشت محصول امسال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا برداشت موفقیت آمیز محصول امسال در واقع نشانه پیروزی روز افزون زحمتکشان ترکمن صحرا در تمامی زمینه‌ها، از جمله امر تولید است." او سپس در رابطه با چگونگی تقسیم کار به هنگام برداشت، حفاظت از محصولات درو شده، جلوگیری از اقدامات خرابکارانه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سخن گفت و یادآوری کرد که حفظ محصول و کوشش در افزایش تولید گندم و جلوگیری از ضایعات در جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن است. ما باید برای مقابله با محاصره اقتصادی آمریکا، گندم بیشتری برداشت نماییم.

شرکت کنندگان در "اجلاس" پس از این سخنرانی، در مورد کارشناسی عناصر ضد خلقی در امر برداشت محصول و حمایت پاره‌ای از مقامات مسئول از زمینداران بزرگ به مذاکره پرداختند و به این نتیجه رسیدند که:

"این وظیفه شوراها است که ماهیت این اعمال را برای مردم توضیح دهند و به آنها نشان دهند که ان شیوه‌ها راه به جایی نمی‌برد و گواه این امر هم پیروزی‌های چشمگیر خلق ترکمن در سال گذشته، علیرغم سرکوب و کشتار خونینی است که به آنها

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹



گزارشی از اراک :

مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

از روزهای قیام تا انتخابات ریاست جمهوری، اعتماد توده‌ها به مسئولین حکومتی، یک سیر نزولی مشخصی را پیموده است. در این میان "آیت الله خمینی" باموضع گیری‌های خاص خود همچنان حلقه‌ی اتصالی است بین توده‌ها و حکومت. ایشان در مجموع توانسته‌اند گرایش توده‌ها را به نفع حاکمیت - نسبتا - حفظ نموده و در توقعات و انتظارات رفاهی توده‌ها - به نوعی - تعدیل ایجاد نمایند. در واقع این حلقه‌ی اتصال توانسته است تا حدودی سیاست " صبر و انتظار" را جایگزین اعتراضات مردم نماید. لیکن این نگرش به هیچ وجه نباید بنین این گرایش باشد که پس توده‌ها خواست‌های رفاهی خود را - در این مدت - رها کرده‌اند.

واقعیات نشان می‌دهد که اعتراضات اقتصادی - سیاسی نوین توده‌ها - از روزهای بعد از قیام تا امروز - تکامل جنبینی خود را طی کرده و می‌رود که با جلوه‌های جدیدی از حیات، مراحل بعدی خود را آغاز نماید. بی‌توجهی به این مساله برای جنبش کمونیستی ایران خطری جدی در بر خواهد داشت.

ارزیابی نقطه نظر توده‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دیگر سیاست " صبر و انتظار" بطور محسوس جای خود را به " بیان آشکار خواست‌ها" داده است. مثلا با هر که صحبت کنی، گرانی را به عنوان یک امر واقع و پدیده‌های غیرقابل انکار می‌پذیرد.

متعصبترین افراد مذهبی نیز که باور داشتند " برای نان و خربزه انقلاب نکرده بودند" اکنون از گرانی دل خونی دارند و مانند همه زحمتکشان کلافه شده‌اند. اقشار میانی نیز در نهایت، ناراضی هستند و حتی لایه‌هایی از گروه‌های مرفه مردم نیز، "گرانی" را انکار نمی‌کنند.

از بین ۲۷۰ نفر از طبقات و اقشار مختلف که مورد ارزیابی قرار گرفته، تنها ۱ نفر آدم خیلی مرفه آنهم در برخوردی کاملا سطحی و گذرا گفته:

" هیچ چیز گران نیست. " می‌شود به جرات گفت:

گزارشی که در زیر می‌خوانید حاصل تحقیق و مطالعه رفقای ما در اراک است. این گزارش با جمع‌بندی نظریات ۲۷۰ نفر از اقشار متفاوت مردم اراک تهیه شده است. ما اقدام رفقا را در تهیه چنین گزارشی ستایش می‌کنیم و خاطر نشان می‌سازیم که تنظیم گزارشات صحیح، عینی و منطبق بر واقعیات، وظیفه‌ی انقلابی است که ما را در شناخت صحیح وضعیت مردم و اتخاذ تاکتیک‌های درست یاری می‌رساند. ما از همه رفقا می‌خواهیم که با تنظیم و ارسال چنین گزارشی نقش فعال‌تری در پیشبرد صحیح وظایف انقلابی بر عهده گیرند.

رفقا! جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی به شناخت هر چه عینی‌تر از "وضعیت مردم" و "جامعه" نیازمند است و این نیاز را ما موظفیم با گوش پی‌گیر همه رفقا برطرف سازیم.

با پرفروغ‌ترین امیدهای کمونیستی برای شما

مشکل "گرانی" به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار صددرصد در بین تمامی طبقات و اقشار مردم این شهر به صورتی حاد مطرح است و دیگر جای تردید و بحث باقی نگذاشته است. در نتیجه تنها نکته‌ای که این گزارش - در حد توان خود - بدان توجه نموده است، نوع برخوردها و عکس‌العمل‌هایی است که مردم نسبت به پدیده‌ی "گرانی" از خود نشان داده‌اند.

۱- اقشار تحتانی کارگران و سایر زحمتکشان شهروستا: در حدود ۶۰ درصد از افرادی که در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، از گرانی و کمبود مواد اولیه زندگی کاملا "کلافه" به نظر می‌رسند. ۴۰ درصد بقیه نیز به شدت اظهار ناراضگی کرده‌اند. گاهی اعتراضات شکل "ضجه" به خود گرفته است: " پدرومون درآمده"، "ای آقا، باید سرمونوبذاریم و ببیریم"، " می‌سوزیم و می‌سازیم" و ...

نکته‌ای که در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شناختی است که توده‌ها نسبت به کشف ریشه‌های اصلی "گرانی" پیدا کرده‌اند. عموماً می‌گویند "علت همه این گرانی‌ها سرمایه‌داران و امریکایی‌ها هستند".

یک موج مخالفت آشکار علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم در رابطه با فشارهای اقتصادی شکل گرفته است که آهنگ رشدش بسیار تند است در این رابطه آهنگ رشد آگاهی‌های سیاسی - طبقاتی توده‌ها بسیار چشمگیر است. استدلال "دکاندرها" عامل گرانی‌اند" در بین توده‌ها رنگ باخته است. حتی آن‌جائی که از

"فروشنندگان" و "محتکران" صحبت به میان می‌آید بیشتر عمده فروشها و سرمایه‌داران مورد نظرشان است. دیگر به ندرت می‌شود در بین توده‌ها کسی را پیدا کرد که "کمیتها" را عامل گرانی قلمداد کنند. در این بخش تنها ۲ مورد از این نحوی تفکر دیده شده است.

جملات زیر را توده‌های مردم در گفتگوهای خویش تکرار می‌کنند: "گفتیم بنی‌صدر وضع را درست می‌کند که فقط حرف می‌زند، اهل عمل نیست"، "همان وعده و وعیدهای زمان شاه" این دولت هم دولتی نیست که به فکر ما باشد"، "به جز امام همه‌شون امریکائی‌اند" و ...

شورای انقلاب و بسیاری از لیبرال‌های درون حاکمیت اتوریته‌ی خود را از دست داده‌اند مخالفت‌های آشکاری نیز با "بازرگان" شروع شده که قبلا به ندرت در بین مردم عادی اراک دیده می‌شد. بطور مشخص او را "سرمایه‌دار" و "سازشکار" می‌نامند.

روستائیان بیشتر یا خشم و کینه از "گرانی" و "مسئولین حکومتی" صحبت می‌کنند. در روستاهائی که مساله‌ی ارضی مطرح است، در بین روستائیان که دنبال وام به ادارات کشیده شده‌اند انگیزه‌های تازه‌ای از بی‌اعتمادی به وجود آمده، که نتیجه‌ی سیاست دوپهلویی است که وزارت کشاورزی در برابر مطالبات دهقانان و مساله‌ی زمین اعمال کرده است.

عده‌ای نیز "مردم" را مقصر دانسته‌اند که تعدادشان ناچیز است. این دسته از زحمتکشان می‌گویند:

" بنی صدرتازه روی کار آمده، باید ببینیم چه می‌کند؟"، " دولت باید همه‌چیز را خودش کنترل کند"، " باید از طریق تعاونی‌ها فروش اجناس کنترل شود"، " در اسلام صبر هست باید صبر کرد"، " بنی‌صدر می‌تواند وضع را درست کند"، آخر او نماینده‌ی امام است" و ...

یک نفر نیز گفته است: این گروه‌ها نمی‌گذارند. در مجموع کسانی که نظریاتشان زمینه‌هایی از استدلال‌های فوق را به همراه دارد، کاملا در اقلیت می‌باشند.

۲- لایه‌های میانی کارگران و خرده بورژوازی: اساس تفکر توده‌های این بخش نیز با قسمت اول تفاوت چندانی ندارد. جز آنکه استدلالات آنها - کم و بیش - رنگ و بوئی از تاریخ سیاست و اقتصاد را نیز به همراه دارد. بررسی خواست‌ها و نظریات مردم به وضوح نشان می‌دهد: آنجا که اعتراضات و مبارزات توده‌ها ناشی از یک مشکل مشترک و ملموس‌تری باشد، اقشار و طبقات خلق به هم نزدیک شده و به روشنی می‌شود در بین آنان اعتقادات مشترکی یافت.

کسیه نیز گرانی را از "بالا" دانسته و عامل آن را "سرمایه‌داران" می‌دانند. در استدلال آنان غالبا دو وجه مشخص دیده می‌شود. اول آنکه گرانی را مشخصا به سرمایه‌داران نسبت می‌دهند. دوم آنکه سعی میکنند با این استدلال توجیهی نیز برای گران - فروشی‌های خود پیدا کنند. رویهمرفته کسیه درباره‌ی مشکل گرانی، واقعا با مردم به نوعی اظهار همدردی

می‌کنند. زنان زحمتکش اراک در بیان اعتراضات و نظریاتشان از صراحت بیشتری برخوردار بودند. به روشنی می‌شود فهمید که زنان "گرسنگی" و "فشارهای اقتصادی" را ملموس‌تر احساس می‌کنند.

۳- مرفه‌ترین خرده‌بورژواهای اراک و سرمایه‌داران:

مرفه‌ترین گروهها نیز "گرانی" را به عنوان یک امر واقع پذیرفته‌اند. لیکن بطور مشخص برخوردشان در باره‌ی گرانی با سایر طبقات و اقشار خلق متضاد است. هیچ نقطه‌ی مشترکی بین گفته‌های اینان و توده‌های مردم وجود ندارد. خط و مرزشان را کاملا رسم کرده‌اند. به راحتی می‌شود فاصله‌ی عمیق بین منافع توده‌ها و منافع اینان را احساس کرد. اگر ناراضی نیز در گفته‌هایشان دیده می‌شود، به علت "کمبود کالا" و "عدم مرغوبیت اجناس" است. گرانی را معلول " حقوق زیاد کارگران"، " قطع رابطه با امریکا"، " تنوع در مراکز تصمیم‌گیری"، " هول زدن مردم" و اینکه " به حق خود راضی نیستند" می‌دانند. می‌گویند:

در همه دنیا تورم وجود دارد. اینها همه از عوارض انقلاب است". یعنی که بترسید و دیگر انقلاب نکنید! مردم را نیز حکیمانانه به " صبر" دعوت می‌کنند و از آنان می‌خواهند که " خدا را شکر" کنند. به حاکمیت نیز بنا به خواست‌های طبقاتی خود بدین‌اند. "آخوند بازی است"، "توی پاسداران و جهاد سازندگی، کمونیست‌ها نفوذ کرده‌اند. زمین‌های مردم را می‌گیرند، تقسیم می‌کنند"، "درون هیئت حاکمه عده‌های طرفدار شوروی هستند" و ...

یادآوری می‌کنیم که این دسته از هر اقدامی که در جهت سرکوب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی صورت می‌گیرد پشتیبانی می‌کنند و بیشترین نفرت را از "فدائی‌ها" از خود نشان می‌دهند، این دسته در مقابل هرگونه حرکت انقلابی مقاومت و سمپاشی می‌کنند و آمادمانند که از هر گونه کمکی به "ضد انقلاب" کوتاهی نکنند. آنان بیشترین دشمنی‌ها را با مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم از خود بروز می‌دهند.

آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند

باردیگر موجودیت شوراهای بطور جدی مورد سؤال قرار گرفته است و این مسئله تازه‌ای نیست. از همان آغاز روی کار آمدن دولت بازرگان مقابل و مبارزه جوئی کینه توزانه علیه شوراهای آغاز شد و تلاشهای فراوانی بعمل آمد تا اینگونه تشکلهای توده‌های را در نطفه خفه کنند. ولی شوراهای، علیرغم همه تلاشهای سرمایه‌داران و حتی در شرایطی که آزادی‌های سیاسی در مرداد ماه همانند امروز مورد تهاجم و تهدید قرار گرفت، مقاومت کردند. پس از تهاجم به شوراهای دهقانی ترکمن صحرا (که دستاورد مبارزاتی انقلاب دهقانان و زحمتکشان خلق ترکمن است) برنامه ریزان یورش به دانشگاهها و کشتار وحشیانه دانشجویان ضمن تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در توده‌های مردم، درست در لحظاتی که خطر تهاجم امریکا یک خطر واقعی است و خاطر مردم ما را به خود مشغول داشته است محیطی مناسب برای بهره‌برداری و تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و تشکلهای توده‌های یافتند. بطوری که شوراهای این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان باردیگر مورد تهاجم جدی قرار گرفته است. شوراهای کارخانه‌ها که در شرایط انقلابی قبل از قیام عمدتاً از دل کمیته‌های اعتصاب و پس از قیام به منظور کنترل و اداره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و فراری شکل گرفتند، طی یک سال اخیر نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک داشتند. شوراهای کارخانه‌ها در بسیاری موارد، حرکات و اقداماتی انقلابی و مترقی بر علیه سرمایه‌داری و قوانین و آئین‌نامه‌های آن انجام

دادند. نقش موثر شوراهای در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم و مبارزه پیگیر برای دولتی کردن آنها، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن و افزایش بهره‌وری تولید در واحدها (میزان تولید کارخانه لیفتراک سازی تبریز پس از اداره آن توسط شورا از ۲ لیفتراک در

خود سعی کنند شوراهای بی‌محتوی سازند. حزب جمهوری اسلامی با اتکاء به انجمن‌ها و کانون‌های وابسته به خود در کارخانجات می‌کوشد از عواطف و اعتقادات مذهبی کارگران بهره‌برداری کند و رهبری مطلق همه فعالیت‌های درون کارخانجات را به خود اختصاص دهد. انحصار جوئی و تنگ‌نظری این حزب به آن اندازه است که تنها برای نیروهای وابسته به خودش حق حیات سیاسی - اجتماعی

مجدد در آنها (کارخانه کاشی پارس قزوین - نیمه دوم فروردین ماه) تحریک کارگران ناآگاه به ایجاد درگیری با کارگران مبارز و مترقی و همچنین دامن زدن به این درگیری و تشدید اغتشاش برای زمینه‌سازی و توجیه ورود پاسداران به کارخانه‌ها و بازداشت کارگران مبارز، اتهام و دروغ‌پردازی علیه نیروهای انقلابی و کارگران مترقی (در ۱۵ فروردین ماه جاری کارخانه ایرداک تبریز کارگر مبارزی

مورد تلاشهای حاکمیت برای مقابله و اوجگیری از اعمال اراده توده‌ها از طریق شوراهایشان بود. اما مسئله جانب دیگری هم دارد. یعنی وجود:

الف - بحران عمیقی که به صورت بیکاری، تورم، کمیابی و گرانی گریبانگیر جامعه است و چارچوب قوانین گذشته را در هم ریخته و بازسازی آن را با همان مضامین ناممکن ساخته و طالب وضعیت دیگری است.

ب - اراده و آگاهی توده‌های مردم که تجربه قیام را پشت سر دارند، و به حقوق خویش و تشکیلات حافظ منافع خویش کم و بیش آشنائی یافته‌اند.

پ - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعیات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکلهای توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) اتکاء نموده و در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و تشکل رزمنده کارگران و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سنگرهای این مبارزه یعنی دفاع از شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای را تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای درخشان مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراهای نمونه‌ای از تشکل توده‌های در

کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاگری‌های سیاسی و ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران، شورا را تقویت کنند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهرآگین و نفاق‌افکنانه حاکمیت را که همواره از "اخلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زنند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند.

هفته به ۲۱ واحد رسید و یا بازدهی راه‌آهن سراسری با نظارت و کنترل شورا طی یک سال گذشته ۲۰٪ افزایش یافت) اخراج عوامل و وابستگان به دربار و امپریالیسم، ساواکی‌ها و دیگر مزدوران رژیم گذشته، مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمره‌اش بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود، از دستاوردهای شوراهاست. این تشکلهای سنگر واقعی مبارزه ضدامپریالیستی بوده است و هم از این روست که کارگران در روز اول ماه مه شعار (در سنگر شوراهای، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا) را سرمی‌دهند.

مبارزه شوراهای که در گسترش خود، نظام سرمایه‌داری را به مخاطره می‌اندازد حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر را وای دارد که هرکدام به شیوه

قائل است و زیر عنوان تشکیل شوراهای صد در صد اسلامی می‌خواهد کنترل خود را در کارخانجات برقرار کند. غافل از آنکه شورا نه یک تشکیلات حزبی بلکه تشکیلاتی همگانی و توده‌ایست. انحلال شوراهای انقلابی و مترقی، تحریک توده‌های ناآگاه و به‌ویژه اعزام باندهای سیاه به کارخانجات (کارخانه ساندیس ارومیه در تاریخ ۳۰ فروردین مورد هجوم قرار گرفت و شورای آن منحل اعلام شد و ۱۵ تن از کارگران دستگیر شدند. کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز در هفته دوم اردیبهشت ماه جاری توسط عناصر مشکوک و باندهای سیاه اشغال شد و شورای انقلابی آن منحل گردید). برگزاری انتخابات مجدد (و کنترل شده) برای کنار زدن نمایندگان مترقی و مبارز در جوی تحریک شده و ضد کارگری، تلاش برای حفظ و تثبیت شوراهای فرمایشی و مخالفت جدی با انتخابات

را به اتهام واهی رشوه‌خواری دستگیر می‌کنند). اینها از جمله روش‌هایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها می‌کوشد شوراهای کارگری را از مضمون و محتوی توده‌ای و همگانی‌اش تهی کرده و آن را به صورت جریان فرمایشی در شکل توده‌ای را به شکل دولتی بدل کند و اما بر در با روشی دیگر شعار "بی شورا" را مطرح می‌کند او می‌کوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراهای را تحت الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و تلاش سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراهای وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زائده ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید.

آنچه گفته شد، عمدتاً در

ب - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعیات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکلهای توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) اتکاء نموده و در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و تشکل رزمنده کارگران و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سنگرهای این مبارزه یعنی دفاع از شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای را تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای درخشان مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراهای نمونه‌ای از تشکل توده‌های در

بقیه در صفحه ۷

استقلال - کار - مسکن - آزادی

آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری ...

بقیة از صفحه ۶

و کم و کیف این مبارزه باید در خدمت آن باشد. کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاگری‌های سیاسی و ارائه راه حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران شورا را تقویت کنند.

۶- دستاوردهای مثبت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی‌ای را که توسط شوراهای کنترل و اداره می‌شوند تبلیغ نمایند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تاکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهر آگین و نفاق افکنانه حاکمیت را که همواره از "اخلال در تولید" توسط

پیشروان طبقه کارگر دم می‌زند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند. در این رابطه است که باید کارگران پیشرو مفهوم روشنی از نقش شوراهای پیشبرد مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک تصویر کنند. به این معنی که علاوه بر آنکه باید بر نقشی که شوراهای به عنوان نفی‌کننده ضوابط ورشکسته و ضد مردمی پیشین داشته و دارند تاکید شود، به اهمیت نقش سازنده شوراهای در مقابل نظم ورشکسته‌ای که نفی‌اش می‌کنند بیش از پیش تاکید کنند و مشخصاً نشان دهند که چه چیز نوینی را جایگزین کهنه می‌کنند و این امر با تاکید بر سهم این تشکلهای در سازندگی اقتصادی - سیاسی جامعه میسر می‌شود.

با تفهیم اصولی این دو جنبه مبارزه شورا (نفی ضوابط کهنه و بی‌ریزی ضوابط نوین) بر بستر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها، پیشروان طبقه کارگر قادر خواهند بود رهنمودهایی انقلابی، مشخص و موثر بدهند و تعهد ویژه شان را در این مبارزه به نحوی مسئولانه ادا نمایند.

تداوم آن حرکت و آن شعار را در جهت تحقق آن تضمین نماید. ایجاد کانون‌های هماهنگ کننده شوراهای گام مثبتی در این جهت است.

۵- با کار آگاه‌گرانه خود جناح‌بندی‌های ساختگی و تبعیض آمیز را که مانع اتحاد یکپارچه کارگران می‌شود خنثی نمایند. تبلیغات سوئی که بر مبنای تقسیم‌بندی کارگران به مذهبی و غیر مذهبی صورت می‌گیرد تنها به سود نیروهای ضد کارگر است. در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر صف بندی ایدئولوژیک در درون شوراهای و تشکلهای توده‌ای مشابه آن (قطبی شدن کارگران در تشکیلات علنی) تنها از هم پاشاندن آن را تسریع می‌کند شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با دامن زدن به چنین جناح‌بندی‌هایی خصلت توده‌ای و همگانی شوراهای را زایل می‌کنند. وقتیکه حزب جمهوری اسلامی از شورای صد در صد اسلامی صحبت می‌کند، با مبنا قرار

فادرنند در حرکت شرکت نمایند نیز باید در اتخاذ تاکتیک در نظر گرفته شد. و نه تنها سطح مبارزات کارگر بلکه وضعیت عمومی جامعه فضای سیاسی حاکم بر آن نیز مورد محاسبه قرار گیرد. نمونه‌هایی دیده شده است که شوراهای بدون توجه به

عقب‌نشینی‌های موقتی و رفع موج تهاجم و سرکوب از خود نشان دهند و شورا را (مضمون آن را) از خطر ازمهم‌پاشیدگی حفظ کنند تا مجال گسترش مجدد شوراهای را پیدا کنند و در این رابطه باید علاوه بر مقابله با توطئه‌گران ضد کارگر با جریان‌های انحرافی، چه

میهن ماست که در برابر تهاجم به حقوق دمکراتیک باید از آن قاطعانه پاسداری کرد. به این ترتیب نیروهای آگاه و ترقیخواه باید: ۱- مفهوم مترقی و انقلابی شورا و راز قدرت و استقامت آن را بیش از پیش به توده‌های کارگر توضیح دهند. اینکه نمایندگان شورا با رای مستقیم و مخفی همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و بوسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران نماینده‌ای منصوب نماید و یا نمایندگان آنها را خودسرانه عزل کند.

(بطور مثال دخالت بی‌جای ایستادار و مقامات "مسئول" دیگر در کار شوراهای تیریز و مداخله وقیحانه اوباش در کارخانه پاکدیس ارومیه و بازداشت و عزل خودسرانه نمایندگان شورا توسط پاسداران و ...) شورا متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ کس حق تجاوز به حریم آن را ندارد. کارگران از شوراهای و کارخانه‌ها در برابر تجاوز و تعدی سرمایه‌داران و باندهای آنان باید پاسداری کنند.

۲- با افشاگری هرچه وسیع‌تر توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران و عواملشان و همچنین افشای توطئه‌ها و حرکات مداخله‌جویانه عناصر غیر مسئول و شناسایی باندهای سیاه و رهبران و سازماندهندگان و نحوه کار آنها توده‌های کارگر را یاری دهند تا با اتحاد آگاهانه‌شان حول شورا از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عیناً موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که شمره‌اش بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود، از دستاوردهای شوراهاست.

جموعه امکانات عیناً موجود خود در جهت به دست گرفتن کنترل کارخانه حرکت کرده‌اند که به علت عدم تطابق این حرکت با وضعیت عمومی جامعه ناموفق بوده‌اند. و همینطور دیده شده است که یک شورا به اتکای سنت مبارزاتی درخشانش دچار سرکینجه ناشی از موفقیت شده و حتی شعار اعمال حاکمیت

آنارشیستی و چه‌تسلیم‌طلبانه درون کارخانه نیز خط فاصل روشن و متمایز ترسیم نمایند ۴- در برخی موارد مبارزات یک شورا ابعادی فراتر از چارچوب کارخانه می‌یابد و یا یک حرکت مشخص چشم‌انداز شرکت نیروهای وسیع‌تری را نشان می‌دهد و یا محتوی و شیوه مبارزه حساسیت نیروهای غیرکارگر و ضد کارگر را در دفاع از منافع طبقاتی‌شان برمی‌انگیزد (مثل حرکاتی که مضمونش تعرض شورا به "حریم" مالکیت خصوصی باشد) و همچنین مواردی که خواست‌های سیاسی بالنسبه مهم و یا خواست‌های اقتصادی (به صورتی گسترده و هماهنگ) مطرح می‌شود و امکان سرایت آن به نیروها و واحدهای دیگر کارگری می‌رود و یا حتی در یک شورا و یا چند شورای معدود سنت مبارزات انقلابی پایه می‌گیرد و کانونی برای گسترش شعارها و خواست‌های انقلابی کارگران به واحدهای دیگر می‌شود. در همه این موارد سنگینی بار وظیفه‌ای که نیروهای پیشرو و آگاه بردوش دارند آنچنان زیاد است که اتخاذ تاکتیک مناسب یا سانی میسر نیست. در اینجا نه تنها باید توان و ظرفیت عیناً موجود کارگران و شورائی که حرکت را آغاز می‌کند، بلکه ظرفیت و توان همه عناصر بالقوه‌ای که

بنی‌صدر با شعار "شورا بی‌شورا" می‌گوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراهای را تحت‌الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضدکارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد.

دادن ایدئولوژی و مذهب برای یک تشکل توده‌ای عملاً این تشکل را نفی می‌کند و مانع وحدت تشکیلاتی کارگران می‌شود. هدف تشکلهای توده‌ای بسیج و سازماندهی توده کارگران (و یا دیگر اقشار) است برای حل مسائل خودشان و مسلم است که در چنین تشکلهائی موضوع مبارزه و جریانات مختلف سیاسی در چارچوب مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و طرح‌ها و شیوه‌های عملی حل آن بروز می‌کند نه در قالب مجرد و ایدئولوژیک آن. آنچه که در این تشکل محور کار است منافع اقتصادی - سیاسی کارگران است و تمامی شیوه‌ها

کارگری را هم به آسانی طرح کرده است و در نتیجه بجای آنکه به الگوی تعمیم پذیری تبدیل شود، موجبات انفراد و انزوای بیشتر خود را فراهم کرده است. کارگران پیشرو نباید نمونه‌سازی از این یا آن شورا را دامن بزنند بلکه باید سعی کنند شوراهای را با شعارهای هماهنگ به پیش برند. گسترش متوازن و هماهنگ شعارهای انقلابی می‌تواند گرایش به الگوسازی صرف را تحت‌الشعاع قرار دهد و شعارهای انقلابی منفرد و پیشرو را مهار کند. طرح یک شعار انقلابی تنها آغاز یک حرکت نیست بلکه مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

یادداشتی از سفر نوروز به کردستان

● مردم نگران مرکز بودند، خبر تأثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بر نخواهند داشت.

فرصت خوبی بود در ایام عید که به کردستان سفری کنیم. کردستان وقایع خونینی را پشت سر گذاشته بود. خبرها از دور می آمد. از خواست مردم کردستان برای داشتن شوراها، برای نابود کردن تحقیر و ستم ملی که طی سالها بر آنان روا شده بود. برای آنکه خرابی و بیدادی را که سالهای متمادی بر آنها رفته است نابود کنند به محض ورود، احساس تازه ای که به آدم دست می داد، احساس نگرانی از مرکز بود. آیا جنگ افروزان دوباره دست به تدارک حمله ای خواهند زد؟ آیا آنها نمی خواهند ایرانی آزاد و فارغ از ستم وجود داشته باشد؟ آیا آنها دوباره خانه ها و بیمارستان ها و مردم و کوچه و بازار را به گلوله خواهند بست؟ این نگرانی در چشم همه بود. کودگانی که روی تپه آواز می خواندند با شک و تردید غریبه ها را نگاه می کردند! آوازشان را قطع می کردند و می خواستند بدانند ما حامل خبرهای شومی برای آنها هستیم یا پیام آوران شادی در گوشه ای، مردم جمع شده بودند و کسانی را که جوانان را معتاد کرده بودند، محاکمه می کردند. اکثر این قاچاقچیان و لمین ها از عناصر وابسته به "مفتی زاده" بودند. مردم به مسافریین می گفتند: خودتان قضاوت کنید ببینید در اینجا چه کسانی هوادار اسلام مفتی زاده ها شده اند و گرداننده بساط او هستند. متهم در جریان وقایع خونین کردستان، تفنگ از مفتی زاده گرفته بود و مردم کرد را می کشت. دیز جاهای دیگر نمایشگاههایی برپا کرده بودند که به مردم فجایع امپریالیسم را نشان می داد. در جای دیگر به مردم سواد یاد می دادند. و راه کشت و آبیاری بومی. در همه جا زندگی تبلور داشت. اما آهسته آهسته خبر کشتار "قلاتان" در همه جا پخش شد. دوباره مردم رو به

سنگرها آوردند. خبر تأثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بر نخواهند داشت و به عناوین مختلف سعی دارند منطقه را به آتش بکشند. در قهوه خانه ها در معابر عمومی صحبت از این قتل عام بود آنچه برای هر مسافر آزار دهنده بود. این بود که به راستی این چه دستهایی است که در زیر پوشش اسلام قاچاقچیان و اوباش را اجیر می کند تا فرزندان راستین کرد را به گلوله بسپارد.

در سیمای مردمی که به پا خاسته بودند تا زندگی را بسازند و برقرار کنند، تصمیم و مقاومت موج می زد. دستهای آنان، آماده ساختن قلب آنها، از صلح ملامال بود. حدود ۱۱ شب به ما خبر دادند زخمی های دهکده "قلاتان" به شیر و خورشید مهیاباد منتقل شده اند. به بهانه دیدن برادر یکی از پیشمرگه ها توانستیم در آن وقت شب به بیمارستان برویم. بعد از دیدن چند زخمی که ماهها در بیمارستان بستری بودند

یکی از مجروحان قلاتان را دیدیم. پیرمردی بود هفتاد یا هشتاد ساله. دردی عمیق تمامی چشمانش را پر کرده بود. دردی که در چشم تمامی زحمتکشان آن را می توان دید. جنایتکاران با تبر پایش را از زیر زانو قطع کرده بودند. دهقان زجر کشیده و نگاهش امیدوار بود احساس کردیم که باید تا توان داریم این صدای حق طلبانه و این جنایت بی شرمانه را به همه شناسانیم. باید زحمتکشان یزد، قم، تهران، خوزستان

گیلان و تمامی زحمتکشان ایران بدانند که این جنگ، جنگ شیعه و سنی نیست. جنگ کرد و فارس نیست. بلکه گوشه ای چشمگیر از مبارزات خلق بر علیه امپریالیسم است. باید همه زحمتکشان بدانند که کشتار در کردستان برای آن است که نگذارند زحمتکشان قدرت و اراده خود را برای ساختن یک ایران مستقل که کردستان جزئی از آن است به کار گیرند و به شمرسانند.

قسمتهائی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان

ترور رفیق کمال کیانفر (دانشجوی پیشگام تبریز)

بیانگر درماندگی و ضعف سرکوبگران در مقابل جنبش رو به رشد زحمتکشان است

خلق قهرمان ایران!
مردم مبارز تبریز!

خلق قهرمان ایران!
مردم مبارز تبریز!

عصر روز سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۹ هنگامی که رفیق کمال کیانفر دانشجوی پیشگام (سال اول فنی رشته مکانیک تبریز) به همراه چند تن از هم رزمانش مشغول پخش "خبرنامه کردستان" در مسیر چهار راه متحدین - میدان شهرداری بودند، توسط ماشین سپاه پاسداران تعقیب می شوند.

پاسداران مسلح برای دستگیری رفقا از ماشین پیاده می شوند، عابریین به محض مشاهده این عمل پاسداران به حمایت از رفیق کمال و هم رزمانش برمی آیند. مردم رفیق را از جنگ پاسداران مهاجم رها می کنند. رفیق تلاش می کند که خود را از صحنه دور کند ولی پاسداران در حضور عده ای از مردم زحمتکش تبریز به طرف رفیق کمال نشانه روی کرده و او را هدف گلوله قرار می دهند. گلوله به مغز رفیق اصابت می کند. او در واپسین لحظه زندگی اش آخرین نیروی حیاتش را جمع می کند و برای آخرین بار می گوید: "درود بر کارگران رفیق کف خیابان می افتد و خون سرخس خیابان را گلگون می کند مردم به شدت به پاسداران اعتراض می کنند. مردم تلاش می کنند تا او را به بیمارستان برسانند ولی پاسداران با بیرحمی مانع رساندن رفیق به بیمارستان شده و نتیجتاً شهیدی دیگر به شهدای انقلاب ایران افزوده می گردد.

مردم با به شهادت رسیدن رفیق خشمگینانه دست به اعتراض زده و با دادن شعار: "این سند جنایت است امریکا است"، "ای جلاد ننگت باد، امریکا مرگت باد"، "ملت قضاوت ایله، آیا بودور آزادلیق؟" (مردم قضاوت کنید - آیا این است آزادی؟) نفرت خود را از این عمل جنایتکارانه بیان می دارند.

این جنایت آشکار تنها نمونه کوچکی از اعمال ضدانقلابی است که اینک در سراسر میهن ما بر علیه جنبش انقلابی توده ها جریان دارد.

سرکوب جنبش انقلابی توده ها در شرایطی گسترش می یابد که امپریالیسم امریکا با همدستی مزدورانش در ارتش دست به تجاوز آشکار بر علیه جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم مبارز میهن زده است.

این اعمال بیانگر تلاش مذبحخانه کسانی است که از جنبش رو به رشد توده ها به وحشت افتاده اند.

ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه خواهان محاکمه علنی پاسدار قاتل بوده و سپاه پاسداران، شورای انقلاب و شخص ریاست جمهوری را مسئول مستقیم این ترور جنایتکارانه می شناسیم.

ما از تمام نیروهای انقلابی، از جمله هواداران سازمان می خواهیم که با تمام توان خویش و با هر امکانی که در دسترس دارند ماهیت این عمل جنایتکارانه را برای توده ها توضیح دهند.

هواداران سازمان و دیگر انقلابیون صادق در چنین شرایطی که جنبش انقلابی توده ها مورد تهاجم امپریالیسم و عوامل مزدور سرمایه داری قرار گرفته، وظیفه دارند که با تمام توان خویش در جهت سازماندهی مبارزه زحمتکشان فعالیت انقلابی شان را شدت دهند.

ما ایمان داریم که هیچ نیروئی قادر نخواهد بود مانع رشد روزافزون جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما گردد.

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



۲۱ اردیبهشت

مربوان یکنه

پنجم مبارز شهر امروز یکی از شهروان خود را که در جریان درگیری گروه رش به شهادت رسیده بود، به خاک سپردند. باز هم شهیدی به انبوه شهدای خلق اضافه شد.

بیجار

امروز بر اثر انفجار یک مین در اطراف مقر ارتش یک نظامی کشته و دو نفر زخمی شدند.

پاوه

انفجار مین در اطراف پایگاه کشته شدن دو پاسدار شد. در این جریان دو پاسدار دیگر نیز مجروح شدند. این نتیجه اجتناب ناپذیر جنگی است که سرکوبگران مردم به راه انداخته و در آن

رحمکنان بیش از همه رنج می‌بینند. این پاسداران نیز اکثرا از اقشار رحمتکش جامعه برخاسته‌اند. بسیاری از جوانانی هستند که جز خدمت به میهنشان هدفی ندارند. آنها نیز قربانی مطامع فدرتمندان و مسئولان جنگ‌افروز مملکتی می‌شوند.

فرماندهانشان آنها را می‌فرسند، به سبانه خدمت به خلق، به کشتار خلق روانه‌شان می‌کنند، از احساسات پاک مذهبی‌شان سوء استفاده می‌کنند و آنها را به جبهه‌های گسیل می‌دارند که جز مردم زحمتکش، کسی در مقابلشان نیست. دست

جنگ‌افروزان از آستین آسمان بیرون می‌آید و سلاحتان که باید سینه دشمنان مردم را آماج خود بگیرد، قلب توده‌ها را نشانه می‌رود. آنها بسیاری‌شان فریب خورده‌اند.

ارومیه

درگیری بین نیروهای نظامی و پیشمرگان ساعتها است که ادامه دارد. در جریان این درگیری ۲ پاسدار و ۸ سرباز کشته و مجروح شده‌اند. صبح روز بعد همچنان صدای شلیک‌های پراکنده به گوش می‌رسد.

بانه

به دستور فرماندهان ارتش هلی‌کوپترها و فانتوم‌ها به دستور فرماندهان ارتش مرتب شهر را بمباران می‌کنند. صبح امروز دو فروند هواپیما بر فراز شهر به مانور پرداختند. حوالی ظهر هلی‌کوپترها در آسمان شهر ظاهر شدند و شهر را به گلوله بستند. لیکن آتش سلاح‌های پیشمرگان به آنها امکان فرود نداد و مجبور به عقب‌نشینی

چه کسانی

به جای صلح، جنگ را دامن می‌زنند؟



جنگ تحمیلی اخیر بر خلق دلاور کرد، برای مردم رزمنده آن ویرانگری‌های بی‌شماری را به دنبال داشته است. در معصومیت نگاه کودکان گزده درخشانی موج می‌زند. در زیر این خانه‌های چادری کودکانی بزرگ می‌شوند که درس مبارزه را می‌آموزند.

شدند. به دنبال آن سهر توسط پادگان به توپ و خمپاره بسته شد.

روحیه سربوهای ارتش بسیار متزلزل است. بسیاری از سربازان که در جریان جنگ درک می‌کنند که مسئولان مملکتی و فرماندهان دست‌پرورده امریکا، آنها را فریب داده و به سبانه جنگ با صداقلاب به کشتار مردم واداشته‌اند، از اجرای فرمان آدمکشی سرباز می‌زنند.

خلق کرد تاکنون بارها اعلام کرده است که صلح می‌خواهد نه جنگ. خلق کرد در برابر سرکوبگران و مخاطر صلح عادلانه دلاورانه مقاومت می‌کند و روحیه

نیروهای سرکوبگر را در هم می‌شکند. به متن زیر دقت کنید. بیامی است که از طریق بی‌سیم بین ارتش و پاسداران مبادله شده است این پیام خود تصویرزنده‌ای از تزلزل در ارتش ارائه می‌دهد:

۳: سربازها بر زمین خشک شده‌اند هیچ‌کس اجرای دستور نمی‌کند. چهار زخمی از ما به طرز فجیعی افتاده‌اند تکلیف چیست؟

جواب: مسئول امداد را براهان بفرست. آ: مسئول امداد هم دستش تیر خورده. کمک بفرستید. از چهار طرف در محاصره هستیم. از دهات اطراف براهان کمک می‌فرستند. ما زیر آتش شدید هستیم. هیچ‌کس تکان نمی‌خورد. تقاضای کمک هوایی بکنید. اگر تا یک ربع دیگر کمک هوایی نرسانید ما محل خود را ترک می‌کنیم.

روحیه سربازان خیلی بد است. می‌گویند نیروی هوایی اعتصاب کرده، شما کمک بخواهید.

و تلفنگرایی که از بانه به ستاد مشترک ارتش جمهوری

اسلامی مخاره نده سرگواه دیگری است که وضع ارتش را نمایان می‌سازد. این پیام وضعیت پادگان را به شدت خطرناک توصیف کرده و صریحا اعلام نموده است که اگر تا دو روز دیگر کمک ارسال نشود پادگان به دست پیشمرگان سقوط خواهد کرد.

همچنین سربازان پادگان شهر تهدید کرده‌اند که در صورتی که ترتیبی برای جمع‌آوری اجساد سربازان، از میدان جنگ داده نشود، آنها به کردها ملحق خواهند شد.

سقز

در جریان درگیری‌های امروز شهر، ۳ ارتشی کشته و عده‌ای زخمی شدند. از مردم عادی نیز عده‌ای مجروح شده‌اند.

۲۲ اردیبهشت

خوی

امروز عده‌ای از پرسنل انقلابی، به منظور اعتراض به وقایع اخیر کردستان در پادگان شهر متحصن شده‌اند. ظهیر نژاد، فرمانده زاندارمری به دنبال این اقدام انقلابی پرسنل مبارز به خوی آمده است. متحصنین که دیده‌اند چگونه مسئولین جنگ افروز مملکتی و فرماندهان مزدور آنها را به کشتار زنان و مردان زحمتکش کردوامی دارند، با این عمل انقلابی خود یک بار دیگر نشان می‌دهند که در میان سربازان، درجه‌داران و افسران جز کم نیستند کسانی که به هیچ قیمتی حاضر نمی‌شوند گلوله‌هایشان را در سینه‌های خلق خویش بنشانند.

میاندواب

شهر امروز شاهد همبستگی

(حزب دمکرات) صورت گرفت. طبق اطلاع رسیده افراد مزبور از پیشمرگه‌های حزب دمکرات بوده‌اند. اقدام انقلابی نیروهای جنبش مقاومت در زمینه مجازات افراد فوق، باعث تحکیم هر چه بیشتر وحدت مبارزاتی خلق ترک، و کرد شد و در عین حال نشان داد که جنبش مقاومت کردستان هرگونه تجاوز به جان و مال زحمتکشان را به ویژه از سوی افراد پیشمرگه، به‌شدیدترین وجه مجازات می‌کند.

۲۳ اردیبهشت

سردشت

در اینجا نیز جنگی خاموش بر خلق کرد تحمیل شده است. اکنون مدتها است که از آغاز جنگ می‌گذرد و در این مدت چه خون‌ها که بر زمین نریخت و چه خانه‌ها که بر سر ساکنانش ویران نشد. پایگاه "کولته" همچنان در محاصره نیروهای پیشمرگه خلق است. روحیه سربازان بسیار متزلزل است. مردوران جاش در پادگان حضور دارند. این عناصر خودفروخته که تعدادشان به ۳۰ نفر می‌رسد سربازان را دلداری می‌دهند و آسپاراه جنگ و آدمکشی تشویق می‌کنند. این هم از ساهکارهای مقامات دولتی است که از یک طرف به سبانه خلق‌ها را به خاک و خون می‌کشند و از سوی دیگر بیست تریه افراد - جاش‌ها - را صلح کرده به اسم "پیشمرگان مسلمان کسرد" به جان مردم می‌اندازند. در جریان زرد و خوردی که امروز در پادگان و پیشمرگان صلح خلق روی داد یک پیشمرگه شهید و ۳ پیشمرگه زخمی شدند. در این میان یکی از جاش‌های معروف به اسم "ملاحس" شیوه سلی "نیر زخمی شده است. امروز همچنین در درگیری‌های پایگاه "کولته" ۱۰ نفر (۸ زاندارم و ۲ جاش) کشته شدند.

۲۴ اردیبهشت

حالات هلی‌کوپترها ادامه دارد. ارتش و سپاه پاسداران همچنان به تهاجم ادامه می‌دهند. امروز در "رست" هلی‌کوپترهای ارتش به جای حمله به سنگر نیروهای جنبش مقاومت مواضع نیروهای ارتش و سپاه پاسداران را به گلوله بستند. در این حادثه بیش از ۳۵ پاسدار و ارتشی کشته شدند. هم‌اکنون آب و برق شهر قطع است. سردشت یک شهر جنگ زده است. خانه‌های ویران، آثار گلوله و خنجر، گرسنگی، بیماری، فقدان امکانات اولیه و ... این است چهره‌ای که سیاست

حلق ترک و کرد بود. مردم ماندواب به خاطر اعتراض به محاصره اقتصادی شهرهای کردستان در فرمانداری محصص شده‌اند و تهدید کرده‌اند که اگر محاصره ادامه یابد تمام معاره‌های خود را تعطیل خواهند نمود. مردم مارر شهر قلا نیز با اقدامات انفجاری خود از جواس‌های به حی و عادلانه خلق کرد حمایت کرده بودند و این خود مشت محکمی است بر دهان کسانی که می‌گویند با نقای امکنی اتحاد انقلابی خلقها را تضعیف کنند و آنها را در برابر دشمنان مشترکشان دچار نقره سازند.

سنندج

تهاجم سپاه پاسداران و ارتش همچنان ادامه دارد. امروز در درگیری‌های جاسده "حسن‌آباد" و استانداری بیش از ۵ تن از پاسداران کشته و تعدادی مجروح شدند. امروز همچنین در "کردی کرول" بین نیروهای جنبش مقاومت و سپاه پاسداران درگیری پیش آمد که طی آن تعدادی از پاسداران کشته و زخمی شدند. در این جریان دو پیشمرگه نیز به شهادت رسیدند.

میاندواب

امروز در شهر میاندواب حدود ۸۰۰۰ نفر از اهالی شهرها و روستاهای مختلف گرد آمدند تا شاهد محاکمه دو تن از پیشمرگان باشند. افراد فوق به جرم قتل یک هم‌وطن ترک میاندوابی محاکمه و به اعدام محکوم شدند. حکم اعدام در ساعت ۳ بعد از ظهر در باغ "خانه پیشاهنگی" به اجرا در آمد. محاکمه توسط نیروهای سیاسی کردستان

جنگ افروزان از سرزمین کردستان می‌سازد. سرزمین صلح و کار. سرزمین دلاوران جان بر کف. سرزمین مقاومت.

بانه

نیروهای پیشمرگه به درون پادگان راه یافته‌اند. امروز نیروهای جنبش مقاومت موفق شدند تعدادی از سنگرهای داخل پادگان را به تصرف در آورند. هم‌اکنون بخش وسیعی از پادگان در تصرف مردم و پیشمرگان است.

ماکو

از چندی قبل قرار بوده است که عده‌ای پاسدار را از این شهر به سنندج اعزام کنند. لیکن به هنگام حرکت ۲۰ نفر از آنها از رفتن خودداری می‌کنند.

خانواده‌های این افراد که همه از زحمتکشان روستاهای ماکو هستند در شهر جمع شده و از مقامات خواسته‌اند که فرزندانشان را به کردستان نفرستند. جنگ افروزان و سرکوبگران خلق کرد باید بدانند که این تازه آغاز کار است. آنها برای همیشه نخواهند توانست با تبلیغات عوامفریبانه‌شان پاسداران را که بسیاری‌شان از طبقات محروم جامعه برخاسته‌اند فریبند و به کشتن سار هم میهنان خود اودار سازند.

تقدیه

دیشب نیروهای صلح خلق کرد با جاش‌های مزدور درگیر شدند و ۲ تن از آنها را به هلاکت رساندند.

کرمانشاه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شنوک پاسداران و نظامیان مجروح را به این شهر منتقل کردند.

اشنویه

اینجا نیز گرسنگی ناشی از کمبود آذوقه، بیداد می‌کند. مقامات دولتی زحمتکشان را تا سرحد مرگ، گرسنگی می‌دهند. برآستی باید از آنان پرسید اگر بنا به گفته خودتان در کردستان تنها عده معدودی از سازمانها و افراد مسلح هستند که آشوب ایجاد می‌کنند، اگر شما راست می‌گویند که این مردم کرد نیستند که مقاومت می‌کنند پس چرا آنها را در محاصره اقتصادی قرار داده‌اید؟ چرا آنها را گرسنگی می‌دهید؟ چرا خانه‌هایشان را با فانتوم هلیتان درهم می‌کوبید؟ هم‌اکنون بیش از ۱۵۰۰ نفر از آوارگان روستاهای مختلف به شهر اشنویه پناه برده‌اند و از نظر مایحتاج عمومی در وضعیت بسیار سختی به سر می‌برند. بقیه در صفحه ۱۵

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

گرایشات آنارشیستی و سندیکالیستی "پیکار"

سازمان پیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماطور تغذیه می‌شود این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پروراند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائماً و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند، به نحوی که اگر در این حد افراط، روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فرود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند در حد دیگر فرسنگ‌ها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به‌جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این یعنی آنارشیسم.

می‌نویسد: "عین همین وظیفه را هسته در قبال سندیکا هم دارد منتهی با این تفاوت که هسته باتوجه به این که یک جمع سیاسی است (!) فقط در رابطه با شورا می‌تواند حتی در فعالیت‌های آن شرکت هم داشته باشد. در حالی که باتوجه به این که سندیکا یک تشکیلات صنفی است، هسته فقط بر کار آن می‌تواند نظارت و کنترل داشته باشد و دیگر لزومی به شرکت آن در فعالیت‌ها و امور سندیکا نیست." با چنین بینشی است که "پیکار"، "ارگان سیاسی - تبلیغی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به دوست‌داران آزادی طبقه کارگر و روشنفکران عرضه می‌شود. با این توضیح که: "ما بعد از این گوش می‌کنیم که از طریق این نشریه، دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائلی که با زندگی و حیات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی خلق‌های ما و نیروهای وابسته به آنها در رابطه قرار دارد، توضیح دهیم و موضع خود را نسبت به این مسائل در حد توان خود روشن کنیم."

و بدین ترتیب جنبه دیگری از اکونومیسم حاکم بر خود را به نمایش می‌گذارد: دید گروهی و مافع محفلی سازمان پیکار با انتشار روزنامه "پیکار" قصد آن را ندارد که وظایف و تعهدات خود را حداقل به عنوان روشنفکر انقلابی ناقل آگاهی پرولتاریائی به انجام رساند. قصد آن را ندارد که تبلیغ و ترویج ایده‌های پرولتاریائی را در دستور کار خود قرار دهد، قصد آن را ندارد که افشای سیاسی کند. او قصد آن دارد که "دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل توضیح دهد و موضع خود را نسبت به آنها روشن کند. و این کمال تنگ‌نظری و دید محدود و گروهی حاکم بر این سازمان است. برای پیکار در این مقطع "توده‌ها" مطرح نیستند. خود او، موضع خودش و دیدگاه‌های خودش مطرح است.

باید اذعان نمود که اکونومیسم حاکم بر پیکار اگرچه همواره همراه او و راهنمای عمل او بوده است (۱) اما در مقاطعی گسستگی‌هایی دارد و گاهگاهی اصلاحاتی در مسیر انحرافی‌اش رخ می‌دهد. به عنوان مثال در پیکار شماره ۱۳ آنجا که بحث از "قدرت دوگانه و ارگان‌های قدرت توده‌ای" می‌شود نشانه‌هایی از تصحیح درک خود را نسبت به شوراها بروز می‌دهد. ولی انحرافات ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود. لنین علت "گرایش قهرایی در

اکونومیسم ناب است. همان کارگرزدگی شایع و مسلط بر سازمان پیکار است. این دید سندیکالیستی است و از مفهوم مبارزه سیاسی فرسنگ‌ها فاصله دارد. این دید تفاوت بین شورا و سندیکا را نمی‌تواند درک کند. ممکن است فریاد اعتراض رفقای پیکاری بلند شود که این مواضع مورد استناد مواضع آن سازمان نبوده است بلکه نظریات یکی از "حوزه‌های" آن سازمان بوده است (داستان "کارگر به پیش" هم از آن جمله داستان‌هایی است که فقط برای فرار از انتقاد اختراع شده است برای ما با توجه به مهارت "پیکار" در معلق زدن و رد مکانیکی نقطه‌نظرات قبلی خود با انتقاد از خود سطحی داستان "کارگر به پیش" همچنان در ابهام باقی مانده است). ما اعتراض رفقای پیکاری را درست نمی‌دانیم و نظر خوانندگان را به مقاله "وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟" که در پیکار شماره ۳۳ به چاپ رسیده است جلب می‌کنیم.

"در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراد ما از شورای واقعی (!؟) نه شورای انقلابی لنینیستی، بلکه از نظر وظایف و مضمون همان سندیکای واقعی - سرخ - می‌باشد) یا سندیکای واقعی کارگران چیست؟ وظیفه شورا یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه... از آنجا که شورا یا سندیکای واقعی کارگران، نماینده کارگران می‌باشد...

آیا باز هم جای بحثی هست؟ شورا یا سندیکای واقعی، به عبارت صریح‌تر شورای سازمان پیکار همان سندیکای واقعی است، همان شکل صرفاً کارگری، همان سازمان مبارزه اقتصادی فقط کارگران است و این محصول عدم درک مضمون شورای کارخانه که همانا اعمال قدرت توسط همه کسانی که در کارخانه شاقول هستند و به عبارت دیگر کنترل کارخانه است.

به علاوه اکونومیسم حاکم بر سازمان پیکار همراه با سطح یائین‌تئوریک جنبش بطور کلی و سازمان پیکار بطور اخص در مورد تشکیلاتی توده‌ای و هسته‌های سیاسی یا به عبارت دیگر هسته‌های کمونیستی کارخانه تا بدان حد است که "کارگر به پیش" در شماره ۳ خود (۱۰ فروردین ماه ۵۸) تحت همان عنوان "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" و هنگام صحبت از "هسته‌های سیاسی کارگران و وظایف آن" مهمترین وظیفه تشکیلاتی هسته را "فعالیت در جهت تشکیل شوراها یا کارگری" می‌داند و

دیگر این ایده در سطح جنبش کمونیستی ایران جا افتاده است که "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" در جریان قیام اکونومیسم تمام‌عیاری را به نمایش گذاشت و در حالی که توده مردم به خیابان‌ها ریخته و به عالی‌ترین شکل مبارزه یعنی مبارزه قهر آمیز و مسلحانه پرداخته بودند، پیکاری‌ها آن چنان شیفته مبارزه اقتصادی توده کارگران شده بودند که حتی فرصت نگرستن به

صحنه اصلی مبارزه را از دست داده بودند. آنها قاصراز درک درست سطح و شکل مبارزاتی خلق و نیز از وظایف محوله بر دوش پیشاهنگان طبقه و مفتون اشکال نازل مبارزاتی کارگران (خواست‌های صنفی) شدند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سازمان پیکار یکبار خود را با قیامی شکوهمند روبرو دید. قیامی که علیرغم آشوب شور و هیجان و اشتیاق مبارزاتی پرولتاریا که پیکاری‌ها را سخت‌شگفت‌زده کرده بود، با دستاوردی در خور پرولتاریا به سرانجام نرسید.

سازمان پیکار که یکباره از خواب غفلت و خوش مبارزه اقتصادی بزرگ بود، خود و پرولتاریا را عقب مانده می‌یابد و می‌بیند که فرصت "افزایش حصلت انقلابی دولت از بالا" را از دست داده است و به دنبال طرح شعار شورا از جانب ما و سایرین راه چاره را در "فشار از پائین" و عمدتاً از طریق شوراها می‌بیند و با طرح شعار "پیش به سوی سهیم شدن طبقه کارگر در قدرت سیاسی!" به کارگران توصیه می‌کند که "اصلی‌ترین وظیفه کارگران با تمام ضرورت و اهمیت خود" "ایجاد شوراها یا کارگری" است علاوه "ایجاد شوراها یا کارگری... اهمیت اساسی و تعیین کننده‌ی در سرنوشت طبقه کارگر و هم در سرنوشت توده‌های خلق ما دارد."

سازمان پیکار در ارائه این رهنمود توجه قابل ستایشی هم بر دو شکل مبارزه اقتصادی و سیاسی در شورا دارد و از بیان این نکته نیز فروگذار نمی‌کند. اما انحرافی که تمام تار و پود سازمان پیکار را فراگرفته است ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود و جای دیگر خود را نشان می‌دهد. در متن همین مقاله که تحت عنوان اصلی "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" با نام "پیش به سوی تشکیل شوراها یا کارگری" در شماره دوم "کارگر به پیش" چاپ شده است آنجا که از "نکاتی که باید در انتخاب نمایندگان شورا توجه کرد" صحبت می‌کند کارگر زدگی خود را باز دیگر به عیان بروز می‌دهد و می‌نویسد:

"شوراها فقط کارگری است و به هیچ وجه کارکنان دیگر نباید در آن شرکت کنند. یعنی حتی حق رای هم ندارند چه رسد به اینکه برای شورا انتخاب شوند. با این تعریف شوراها دارای دو خصوصیت هستند یکی کارگری و دیگری واقعی بودن آن. که وظیفه‌شان دفاع از منافع و حقوق کارگران و مبارزه در راه رسیدن به خواست‌های سیاسی و اقتصادی کارگران می‌باشد. فقط کارگر است که درد کارگرا می‌فهمد و کارمندان باید برای خود شورای کارمندی جدا از شورای کارگری تشکیل دهند." و این همان

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

گرایشات آنارشیستی...

تمام کارگران بیکار آن منطقه را در بر می گیرد... در صورتی که کارگران پروژه های، سندیکا و یا اتحادیه خاص خودشان را نداشتند، می توانند از طریق نمایندگان خود در گانون شرکت کرده، از این طریق و با استفاده از کمک های گانون به ایجاد سندیکای خود اقدام نمایند.

از این جملات هر خواننده اندک آگاهی متوجه می شود که "چون تشکیلات کارگری نداریم آن را از بالا و در محل مورد نظر خودمان، محل تجمع روشنفکران انقلابی (که در آن زمان "خانه کارگر" بود) به وجود بیاوریم. سازمان بیکار با طرح این شیوه ایجاد تشکیلات کارگری این مسئله را نمی فهمد که چون "تشکیلات کارگری نداریم" به عنوان روشنفکران انقلابی موظفیم با شرکت در مبارزات روزمره کارگران و با افشاکاری اقتصادی و سیاسی و تبلیغ لزوم و اهمیت سازماندهی و تشکیلات، سطح آگاهی آنان را ارتقا دهیم و حرکات و اعتراضات کارگران را در تشکیلاتی مناسب و منطبق با تجربیات کارگران سازمان دهیم و نه اینکه "چون تشکیلات کارگری نداریم" به جای توده کارگران، روشنفکران انقلابی و با در بهترین حالات کارگران آگاه و مبارز (و نه توده کارگران) را در محلی جمع کنیم و متشکشان نمائیم و بر آن نام "تشکیلات سراسری کارگران بیکار" را بتوانیم با پنهان شدن در پشت آنها به جای پرولتاریا و در عوض آنان ذهنیات خودمان را تبلیغ و به توده ها تحمیل کنیم.

جالب اینجاست که در شماره ۲۷ (هفده دیماه ۵۸) بیکار تحت عنوان "ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بشناسیم" که از نخستین شماره "بیکار پوشش" نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش نقل شده است، به این نحوه سازماندهی و تشکیلات (از بالا) جواب می دهد (مسلمانا آگاهانه، چون حرکات آگاهانه بیکار خلاف آن را ثابت می کند):

"اصولا کنفدراسیون" (بخوان تشکیلات سراسری - گانون سراسری) باید چگونه تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحاد این سندیکاهای اتحادیه های کارگری به وجود آید و بالاخره اتحادیه های کارگری با هم متحد شوند و کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند... در جلسیهی که مسئولان به اصطلاح کنفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سئوالاتی کردند که گاملا ماهیت کنفدراسیون چی ها را روشن کرد و آنها را رسوا ساخت. یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکاهای کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان و بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده اید... نماینده این کنفدراسیون ضد کارگری جواب داد: چیزهایی که شما گفته اید وقت زیادی می گیرد و چند سال طول می کشد. ما یک باره آمده ایم کنفدراسیون کارگری ایران را به وجود آورده ایم بعدا می توانیم سندیکا و اتحادیه به وجود آوریم!"

در پایان باید اضافه نمود که تداوم حرکات چپ و حتی تشدید این حرکات توسط این سازمان نکته بی است که به روشنی می توان بر آن انگشت گذاشت. نمونه بارز و برجسته و جدید آن تصویری است که "بیکار" شماره ۴۹ از گروه کانگری کارگران مینو ترسیم کرده است:

"گروگان گیری سرمایه دار خصوصی وابسته: بدین ترتیب کارگران یکی از بزرگترین سرمایه داران خصوصی وابسته را... با بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱۰

توجهی از گزارشات چاپ شده در این نشریه تحت عنوان "جنبش کارگری" تأیید و حتی تبلیغ پرشور حرکات و اعتراضاتی است که بر بستر خواست ها و نیازهای طبقه کارگر و نیز اعتراضات و مبارزات آنها توسط عده ای محدود از کارگران آگاه و مبارز و بدون انطباق با سطح آگاهی و مبارزاتی توده کارگران ایجاد شده است و عملا هم در اکثر موارد به شکست انجامیده است. (گزارشات استارلایت، شادانپور، ایرانا، مینو نازخ و...) نمونه جالب را می توان در "گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان ۹ طبقه

● اگر در روزهای قیام، اگونومیسیم ناب، پرچم بیکار بود، اکنون آنارشیسم ناب پرچم رزم سازمان بیکار است. آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابان ها گوگتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود!

در خیابان آزادی توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر" در بیکار شماره ۴۰ یافت. در مورد این مساله که "تصرف انقلابی" ساختمان "توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر برای خود این زحمتکشان گود نشین به چه صورت و تاچه اندازه مطرح بوده است همین بس که برای حفظ ساختمان تداومی از خود نشان ندادند، ثانیاً یکی از گودنشینان جوان که در تصرف ساختمان نقش داشت، در پاسخ پاسداری که از او پرسید چرا اینجا را گرفتید چنین جواب داد:

"والله آمده بودند و گفته بودند که خانه های بالای شهر خالی است، آیا نمی خواهید در آنها زندگی کنید؟ اگر می خواهید بجنبید و ما هم آمده بودیم." بعلاوه عدم توجه به سطح واقعی مبارزات

● بیکار تنها ناتوانی عظیم خود را در درک قانونمندی مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیش رس و عصبانیت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده های بنشاند.

کارگران و اتخاذ تاکتیک برپایه آن و ایجاد "تشکیلات کارگری از بالا" از دیگر جنبه های بروز و نمود این طرز تفکر است. "طرح تشکیلاتی کارگران بیکار" که در بیکار شماره ۱۳ ارائه شده است به خوبی این شیوه کار را نشان می دهد.

توجه کنید: "به دلیل عدم وجود تشکیلات سراسری کارگری، کارگران بیکار کارخانه بی، کارگاهی و یا حتی پروژه بی، می توانند و باید در یک "گانون سراسری کارگران بیکار" گرد آیند. لیکن لازم است که همراه و همزمان با تشکیل گانون سراسری کارگران بیکار، کارگران مناطق مختلف، اقدام برای ایجاد گانون منطقه ای خاص خود بنمایند. این "گانون منطقه ای

سوسیال دموکراسی روسیه" (اگونومیسیم) را چنین توضیح می دهد:

"گسترش تبلیغ، سوسیال دموکرات ها را با قشر عقب مانده و تحتانی پرولتاریا روبرو کرد. برای جلب این قشر لازم می آمد که مبلغ خود را به نازلترین سطح شعور وفق دهد. او آموخت که "خواست ها و ملاحظاتی لحظه مشخص را به پیش کشد و ایده آل های سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را عقب راند. طبیعت فعالیت آماتوری و ناقص سوسیال دموکرات ها، روابط بسیار ضعیف میان محفل های آموزشی در شهرهای مختلف و بین سوسیال دموکرات های روسیه و رفقای شان در خارجه که دانش ژرف و تجارب انقلابی غنی تر و نیز آفق سیاسی وسیعتری را دارا بودند طبیعتاً این جنبه (مطلقاً اساسی) فعالیت سوسیال دموکراتیک را بطرز مبالغه آمیزی عمده نمود که به افرادی امکان آن را می داد که جوانب دیگر را به فراموشی سپرده...

حال اگر توجه کنیم که سازمان بیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می کند و سیاست هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماتور تغذیه می شود در می یابیم که این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می پروراند و افراط هایی را به دنبال دارد که دائماً و به سادگی به یکدیگر بدل می شوند. به نحوی که اگر در این حد افراط روشنفکران به دنبال توده ها می افتند و در مقابل آنها سر فزود می آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می دانند، در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده ها قرار می گیرند و به جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می زنند و این، یعنی آنارشیسم بر آن وجه دیگر فعالیت بیکاری هاست که در کنار و به موازات وجهی که از آن سخن گفتیم دیده می شود. البته باید در نظر داشت که در لحظات متفاوت یکی از این دو وجه اگونومیسیم یا آنارشیسم غالب است.

● حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "بیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و گودخانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!"

به آنارشیسم و چپ روی سازمان بیکار بپردازیم که فعلاً به نظر می رسد جنبه غالب انحراف آن باشد:

تصور می کنیم خوانندگان نشریه "بیکار" با ما در این مورد اتفاق نظر داشته باشند که عباراتی چون "امروزه تقریباً تمامی کارگران به این حقیقت پی برده اند که سرمایه داران با کمک دولت حامی شان" (شماره ۳۲) به دفعات و مکرراً به جا یا بی جا در متن این نشریه، کار گذاشته شده است در پشت چنین عباراتی همان ایده فرسنگها جلوتر از توده ها بودن و ذهنیت خود راهمان ذهنیت آنها دانستن قرار دارد. این نقطه نظر به میزان زیادی در اخبار و گزارشات این نشریه منعکس است. به نحوی که میزان قابل

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

۲۲ سال قبل صهیونیستهای اسرائیلی به کمک کشورهای امپریالیستی سرزمین فلسطین را اشغال کردند

اما سرانجام :

خلق قهرمان فلسطین است که پیروز خواهد شد

۱۵ ماه ۵۸ سالروز تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ هجری شمسی) و تشکیل دولت نژادپرست اسرائیل در سرزمین فلسطینیهاست .

جنگ جهانی اول منجر به قطع تسلط امپراطوری عثمانی بر فلسطین شد اما دولت انگلیس توانست توسط جامعه ملل تحالحمایگی این سرزمین را برای خود بدست آورد امری که تا سال ۱۹۴۸ همچنان برقرار ماند .

در اواخر سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقسیم فلسطین را بدو طرف به موجب قطعنامه صورت داده که مطابق با خواست صهیونیستها تنظیم شده بود . این سرزمین بطور کلی به دو بخش تقسیم می شد دولت یهودی بخشی را که نیمی از جمعیت آن عرب و نیم دیگر یهودی بودند . در ... می گرفت و شامل ۵۶٪ کل مساحت فلسطین میشد . بخش دیگر که شامل ۴۴٪ مساحت آن می شد . مسایست تشکیل دولتی عربی را می داد . سگد این بخش عموماً عرب و شامل کمی سینی از ۱٪ یهودی می شد بر طبق این قطعنامه اورشلیم نیز منطقه ای بیالمللی اعلام می شد که مسایست توسط سازمان ملل اداره شود .

در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ دولت اسرائیل بر مسای این طرح تشکیل شد . در این فاصله مخالفت اعراب به صورتهای گوناگون و پراکنده بود و منجر به کشته شدن هزاران تن و بیرون رانده شدن بیش از یک میلیون نفر آنها از سرزمین اجدادی شان گردید . آنها تا مدت ها چشم به اقدامات دولتهای عرب و سازمان ملل متحد برای احقاق حقوق خود دوخته بودند و زندگی سختی را در اردوگاههایی که بسرعت در کشورهای عرب تدارک دیده شده بود ، می گذراندند .

سالها با نام آواره و مسئله اشغال میهنشان تحت عنوان مسئله آوارگان در مجامع بین المللی مطرح بودند اما

از اوایل سال ۱۹۶۵ خلق فلسطین که دیگر از شیوههای دیپلماتیک صرف طرفی نیستند و از دولتهای عربی نیز برای گرفتن حق خویش مایوس شده بود ، بپا خاسته و با تشکل و توسل به مبارزه مسلحانه ، قدم در راه جدیدی از مبارزه نهاد . این مبارزه تا کنون توانسته است هویت سیاسی

در اردن در این مورد نمونه است . دیگر اینکه دشمن ، یعنی صهیونیسم و دولت اشغالی دارای نزدیکترین پیوند ممکن با دولت ایالات متحده است بطوری که اسرائیل بدون کمک امریکا نمی تواند روی پای خود بایستد . از طرف دیگر دولت امریکا نیز

خلق برای آزادی فلسطین در مصاحبه های بعد از شرح سیاست های صهیونیست ها می گوید : این سیاست های مستعمراتی نه تنها با منافع طبقه کارگر بلکه همچنین با منافع دهقانان خرده بورژوازی ، متخصصین و غیره و حتی بخش هایی



در فلسطین ، هر خانه ، اداره ، مدرسه و هرکجای نقطه این خاک ، سنگری است برای مبارزه . عکس ، رزمندگان جوان را در حال آموختن اسلحه نشان می دهد که آتش گلوله های آن قلب محتضر امپریالیسم امریکا را نشانه گرفته است .

و پذیرش جهانی را برای این خلق رزمنده نامین کند مهمتر اینکه امید آنها را به پیروزی اجتناب ناپذیرشان نه بر پایه های واهی بلکه بر اساس واقعیات موجود و ارزیابی نیروهای خودی و دشمن و نیروهای ذخیره هرکدام افزایش داده است

مبارزان فلسطینی بر اساس خصایل عام و مشترک با دیگر جنبش های آزادیبخش از تجارب آنها درسهای زیادی آموخته اند . با اینهمه خصوصیات استثنائی مبارزه خلق قهرمان فلسطین را از دیگر جنبشهای رهاییبخش ممتاز می کند . اول اینکه این خلق عمدتاً نه در سرزمین مادری بلکه عموماً در خارج از میهن خود بسر می برند . این امر پیوند بسیار نزدیک و ضروری را میان جنبش فلسطین و نیروهای مترقی کشورهای میزبان ایجاد می کند بطوری که پیروزی مردم فلسطین با امر انقلاب در این کشورها به هم گره خورده است . کشتار مبارزان

عمده ترین اهرم اعمال قدرت سیاسی - نظامی و اقتصادی خود را در منطقه در وجود اسرائیل می بیند . بنابراین پیروزی خلق فلسطین ضربه مهلکی بر امپریالیسم امریکا و بطور کلی سیستم امپریالیستی جهانی خواهد بود و بازم به همین دلیل است که مبارزان فلسطینی باید انتظار مقاومتی طولانی از جانب دشمن را داشته باشند ، مقاومتی که سرانجام با نابودی اسرائیل و انحطاط امپریالیسم روبرو خواهد شد .

خلق فلسطین در مبارزات طولانی خود و به ویژه در ۱۵ ساله اخیر بیش از پیش به حکم ضرورت پی برده است که پیروزی بر دشمن غدار جز با وحدت کلیه نیروهای خلقی امکان پذیر نیست . نیروهائی که باوجود اختلاف منافع طبقاتی و مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی ، در مبارزه با دشمن مشترک می توانند و باید متحد شوند . جرح حبش دبیرکل جنبه

از بورژوازی ملی ، به ویژه در مناطق اشغالی ، تضادی آشتی ناپذیر دارد این است پایه عینی برای اتحاد وسیع طبقاتی اتحادی برای مقابله با دشمن در شکل جنبه متحد ملی که شامل تمامی احواخ و سازمان های نماینده این طبقات ، نیروهای گوناگون ملی و سازمان های خلقی (اتحادیه های زنان ، دانش آموزان ، دهقانان و کارگران) می شود . اما جنبه خلق برای آزادی فلسطین به هیچوجه بر این عقیده نیست که سازمان ها و احزاب گوناگون اختلافات خود را در وجود جنبه خلق ندیده بگیرند و مرزهای طبقاتی را مخدوش سازند . جرح حبش چهار خصوصیت را برای این جنبه ضروری می داند :

اول اینکه استقلال ایدئولوژیکی ، سیاسی و تشکیلاتی هر سازمان واز جمله حزب طبقه کارگر در چارچوب

جنبه برقرار باشد . دوم اینکه برنامه مشترک می بایست آنچنان برنامه میهن پرستانه ای باشد که هیچگونه راه گریزی برای بورژوازی در آن وجود نداشته باشد که امکان دهد این طبقه با سازش طرح های ساخته و پرداخته امپریالیسم ، انقلاب را به نابودی بکشاند . سوم آنکه حزب طبقه کارگر مبارزه ای اصولی را در داخل جنبه به منظور بسط و تکامل برنامه مشترک به کار بندد . و بالاخره خصوصیت چهارم اعمال اصول دمکراتیک در روابط بین نیروهای گوناگون موجود در جنبه است .

جنبه خلق برای آزادی فلسطین شرط پیروزی بر دشمن را جنگ دراز مدت توده ای می داند . جنگی که توسط جنبه خلق سازماندهی و رهبری می شود . اما در مورد رهبری حزب طبقه کارگر در جنبه خلق معتقد است که این هدف استراتژیکی است که برای رسیدن به آن باید مبارزه کرد . اما این امر به هیچوجه از اهمیت چنین جنبه ای جتی قبل از نامین حزب پیشاهنگ در آن نمی گاهد .

امپریالیسم و صهیونیسم همواره تلاش می کنند تا نیروهای گوناگون مقاومت را از یکدیگر پراکنده سازند . اما طبقه کارگر موظف است حداکثر تلاش را برای بسیج هرچه بیشتر مردم فلسطین و نامین بالاترین سطح وحدت ممکن در بین آنان بنماید . حتی در زمانی که هنوز بورژوازی نقش مسلط را در انقلاب به عهده دارد .

خلق فلسطین تا پیروزی نهایی هنوز راه درازی در پیش دارد . اما از هم اکنون نشانه هایی از شکست دشمن به چشم می خورد . اردوگاه امپریالیسم با بحرانی اقتصادی مواجه است و دولت صهیونیستی اسرائیل هم بعنوان جزئی از این سیستم از عوارض این بحران در امان نیست . اما قابل توجه این است که شدت بحران در اسرائیل به مراتب بیشتر است . تورم در اوایل سال جاری به حدود ۱۰۰٪ رسیده . اعتصابات در کشور افزایش می یابد و ارزش پوند اسرائیلی به سطحی که تاکنون سابقه نداشته است تنزل کرده است .

بقیه در صفحه ۱۴

هرک بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم امریکا



بقیماز صفحه ۱۱

گرایشات آنارشستی و...

گروگان گرفتند... این بزرگترین مبارزه کارگران کارخانه مینو در طی بیست سال عمر کارخانه بود... چهارشنبه ۱ اسفند ۵۸ خبر رسیده بود که چند تن از عوامل کارفرما... شروع به توطئه نموده و می خواهند کارمندان را به اعتصاب وادار کنند و جریانی مثل جریان خرمدره درست کنند. بلافاصله از طرف دفتر هماهنگی حکم بازداشت آنها صادر شد... در این روز انتظامات منظم تر و عالی تر از روزهای قبل بود. از طرف خود کارگران افسس گشیک تعیین شد. و به نوبت هر ۶ ساعت به ۶ ساعت پستها تعویض می شد. در ضمن از طرف دفتر هماهنگی اسم شب تعیین شد و اسم به کارگرانی که در شب گشت می دادند یاد داده شد تا افراد غریبه و غیر مسئول شناسائی گردند. همچنین در پستهای حساس مثل پمپ بنزین، موتورخانه، افراد بیشتر و هوشیارتری به نگهبانی گماشته شدند. تمام پستها و تابلوهای برق کاملا محافظت می شد... در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود... یکشنبه ۱۲/۵ کارگران آن روز چوب و لاستیک آماده کرده بودند تا در مقابل گاز اشک آور و نبرد تن به تن آماده باشند. آنروز کارگران بنزین، شیشه و روغن آماده کرده بودند، آنروز کارگران کوکتل مولوتف درست کرده بودند تا در صورت حمله مقابله کنند! آری آنروز سطح بالای مبارزات کارگران ایران که بطور خودبخودی دست به مقاومت مسلحانه می زنند به نمایش گذاشته شد.

(تاکیدات از خودنشریه پیکار است) به این می گویند تبلیغ سوسیال دموکراسی ناب! گوئی "پیکار" می خواهد تلافی عدم حضورش در قیام را در آورد. اگر در روزهای قیام اکنون میسم ناب، پرچم پیکار بود اکنون آنارشیزم ناب پرچم رزم سازمان پیکار است! آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابانها کوکتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود و حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "پیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و کودکانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!" "پیکار" تنها ناتوانی عظیم خود را درک قانونمند مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیشرو و عصبیت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده ای بنشاند. مواضع "پیکار" در جریان تهاجم به دانشگاهها گواه دیگری بر این حقیقت است. "پیکار" تنها ماجراجویی انقلابی روشنفکران خرده بورژوا و آنارشستی را که بدان مبتلا است با روشنی به نمایش می گذارد و آن را اثبات می کند...

صفحات ۵ و ۶ "کارگر به پیش" شماره ۲

توطئه اخراج کارگران و ضرورت اتحاد کارگران رسمی و پیمانی در مقابل آن

کارگران پیمانی در چنین شرایطی موفق شدند با طرح خواستهائی از قبیل:

- ۱- استخدام رسمی
- ۲- سود ویژه
- ۳- عیدی
- ۴- پرداخت حقوق روزهای تعطیلی

و... به برخی از این خواستها برسند. ولی پس از عید که کارگران به کار بازگشتند و جو عمومی اعتراضات فروکش کرد، مدیرعامل توانست (با اتکای قانون کار) طرح توطئه جدیدی را بریزد. او شروع به اخراج کارگران پیمانی نموده و روزانه ۲۵ تن از آنان را اخراج می نمود.

پس از چندروز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و در مورد بقیه کارگران پیمانی هم قرار شد که قرارداد آنها فقط از فروردین ۵۹ به بعد به حساب آورده شود و هر ماه هم

گردد تا بدین ترتیب دست سرمایه دار برای اخراج بقیه کارگران و پایمال کردن حقوق و مزایایشان باز باشد و بطور کلی مسئله رسمی شدن آنها را از طریق تصدیق قرارداد کار بکلی منتفی سازد.

و این تنها در چارچوب قانون کار و آئین نامه های آریامهری امکان پذیر است. قانون کاری که قانون کارفرماست و از حقوق کارفرما و سرمایه دار علیه کارگران حمایت می کند. کارگران پیمانی تنها در اتحاد با کارگران رسمی و با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

بود که در صورت بروز چنین وضعی، کارگران پیمانی بتوانند با استفاده از روشهای مبارزاتی خود، در برابر اقدامات کارفرما، مقاومت کنند و تا زمانی که حقوق و مزایای خود را به دست نیاورند، دست از مبارزه برند.

در این شرایط، کارگران پیمانی باید با کارگران رسمی و با استفاده از روشهای مبارزاتی خود، در برابر اقدامات کارفرما، مقاومت کنند و تا زمانی که حقوق و مزایای خود را به دست نیاورند، دست از مبارزه برند.

در این شرایط، کارگران پیمانی باید با کارگران رسمی و با استفاده از روشهای مبارزاتی خود، در برابر اقدامات کارفرما، مقاومت کنند و تا زمانی که حقوق و مزایای خود را به دست نیاورند، دست از مبارزه برند.

در این شرایط، کارگران پیمانی باید با کارگران رسمی و با استفاده از روشهای مبارزاتی خود، در برابر اقدامات کارفرما، مقاومت کنند و تا زمانی که حقوق و مزایای خود را به دست نیاورند، دست از مبارزه برند.

در این شرایط، کارگران پیمانی باید با کارگران رسمی و با استفاده از روشهای مبارزاتی خود، در برابر اقدامات کارفرما، مقاومت کنند و تا زمانی که حقوق و مزایای خود را به دست نیاورند، دست از مبارزه برند.

در این شرایط، کارگران پیمانی باید با کارگران رسمی و با استفاده از روشهای مبارزاتی خود، در برابر اقدامات کارفرما، مقاومت کنند و تا زمانی که حقوق و مزایای خود را به دست نیاورند، دست از مبارزه برند.

تبعیض آمیز) به منظور مقاومت در برابر اخراج بخشی از کارگران.

۲- برخورد کلی و اصولی با آن که در چارچوب تقویت این شکل و هماهنگی آگاهانه با دیگر تشکیلات کارگری عملی می شود و چیزی مهم تر از مبارزه با اخراج کارگران این یا آن کارخانه را در خود دارد، یعنی برخورد با کلیت قانون کار و تلاش در جهت تدوین قوانین کارگری به وسیله نمایندگان واقعی و آگاه این تشکیلاتها.

در اینجا ما به گزارش مشخص یکی از اخراجهای دسته جمعی اخیر می پردازیم:

در کارخانه شیشه قزوین در حدود ۱۰۰۰ نفر کار می کنند. از اوائل سال اردیبهشت سال قبل، حدود ۳۰۰ کارگر پیمانی مشغول به کار شدند. مدیرعامل کارخانه (ایرانطلب) با اطلاق موقت و روزمزد بودن (پیمانی بودن) می خواست از یکطرف هروقت که اراده کرد بتواند کارگران را اخراج کند و از طرفی حقوق و مزایای کارگران رسمی را به آنان نپردازد. او زیر چتر حمایتی قانون کار ضدکارگری و به ویژه ماده ۳۳ این اقدامات ضدکارگری را انجام می داد. کارگران پیمانی به واسطه پایگاه روستائیشان و به ویژه موقتی بودنشان، نتوانستند به اتحاد و تشکیلی پایدار (در برابر این اجنافات کارفرما و قانون کار) دست یابند و کارفرما نیز متقابلا با اخراجهای پیاپی به این عدم تشکیلی کارگران دامن می زد تا اینکه در اسفند ماه گذشته به دنبال اعتراضات کارگران رسمی به نحوه پرداخت سود و عیدی و... زمینه مناسبی فراهم شد تا کارگران پیمانی هم بتوانند بطور یکپارچه حرکت کرده و از میان خود ۵ تن را به نمایندگی برگزینند

۱- توطئه طبقه سرمایه دار و عواملش در کار تولید و اداره کارخانه ها، با بهره برداری از قوانین ضد کارگری موجود (که میراث دوره آریامهری است)

۲- ضعف تشکیلی و آگاهی کارگران (به ویژه کارگران موقت) در امر مبارزه با سرمایه داران و قوانین ضد کارگری حامی آنها.

حاکمیت قوانین ضد کارگری موجود و به ویژه قانون کار مشخصا دست کارفرما را باز می گذارد تا با اتکای به آن بتواند کارگران را به آسانی اخراج نماید.

این "حقی" که قانون کار و دولت به سرمایه دار می دهند به نحو موثری دامنه اخراج کارگران را گسترش می دهد و کارگران را گروه گروه به صفوف میلیونی بیکاران می افزاید. با توجه به این مسئله، چگونگی برخورد کارگران نیز در مقابل اخراج می تواند عمدتا دو جنبه داشته باشد:

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد.

این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد.

این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد.

این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد.

این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد.

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

چه کسانی به جای صلح، جنگ...

۲۶ اردیبهشت

سنندج

ارتش و سپاه پاسداران وارد شهر شده‌اند. پیشمرگان کرد از شهر خارج شده و پیرامون شهر مستقر شده‌اند. شهر سنندج چهره دیگری به خود گرفته است. اهالی شهر در دسته‌های سرودخوانان دست به تظاهرات علیه سرکوبگران می‌زنند. در تاریخ ۲۴ اردیبهشت یک ستون ارتش که در تپه "شب بو" مستقر شده بود مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت. جمعا در حدود ۶۰ فروند تانک در شهر و راههای ورودی آن مستقر شده‌اند. باوجود این نظامیان و پاسداران کمتر جرات می‌کنند وارد شهر شوند. آب و برق و تلفن در شهر قطع است. مفازه‌ها تعطیل هستند و مردم شهر به اشکال مختلف مخالفت خود را نسبت به وجود ارتش و پاسداران در شهر نشان می‌دهند. گروه‌های جوان و نوجوانی که دسته‌های سرودخوان تشکیل داده‌اند و در کوچه‌های شهر سرود "تفریب" را فریاد می‌زنند توسط نظامیان و پاسداران دستگیر و مورد آزار قرار می‌گیرند اما سرود جوانان در کوچه‌های سنندج همچنان طنین افکن است.

کرمانشاه

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به علت امتناع از رفتن به کردستان از کار برکنار شده است.

پیرانشهر

در اثر انفجار مین در راه دوآب بین نرده و پیرانشهر ۴ نظامی کشته و دو نفر زخمی شدند. این ستون نظامی قصد داشت در بالای کوه مستقر شود.

۲۷ اردیبهشت

سنندج

ارتش و پاسداران که در سنندج مستقر شده‌اند تلاش می‌کنند نمای ظاهری شهر را عوض کنند. آنها شعارهایی به طرفداری از خود روی دیوارها می‌نویسند. پوستر می‌چسبانند و سلاح‌ها و تانک‌هایشان را برای ایجاد رعب در سطح شهر به نمایش درآوردند. هیچکدام از این اقدامات کوچکترین تاثیری روی روحیه مردم مبارز شهر نمی‌گذارد. به‌همراه کوچک اشغالگران راه دست می‌اندازند، دنبال آنها راه افتاده، علیه سرکوبگران شعار می‌دهند و سرود "تفریب" را می‌خوانند. بازاریان اعلام کرده‌اند تا وقتی که دستگیری

افراد و تفتیش خانه‌ها پایان نیابد دست از تعطیل مفازه‌های خود برنخواهند داشت. دو دختر رزمنده اعدام شده‌اند و تعداد جوانان اعدام شده تاکنون به حدود ۱۲ نفر رسیده است. عده‌ای از پزشکان و پرستاران متعهد شهر که به کمک پیشمرگان شتافته بودند دستگیر شده‌اند. پاسداران کودکان هفت - هشت ساله را به صف کرده به آنها کمپوت و شیرینی می‌دهند و به این وسیله از آنها می‌خواهند که جای پیشمرگه‌ای را به آنها نشان دهند، اما این کودکان در روزهای حماسه آفرین پدران، برادران، مادران و خواهران خود، سکوت و رازداری را در مکتب مبارزه آموخته‌اند. آنها به پاسداران پشت می‌کنند و به بازی کودکانه خود ادامه می‌دهند. شب‌ها با وجود حکومت نظامی تیراندازی در شهر به شدت صورت می‌گیرد. بیشتر درگیری‌ها به خارج از شهر منتقل شده است و از فرودگاه سنندج تا نزدیک کامپاران حدود "توانکش" جاده‌ها در اختیار پیشمرگان است. در جاده‌های دیگر که توسط ارتش و پاسداران کنترل می‌شوند دستگیری اهالی شهر ادامه دارد. در طی سه روز اخیر مردم سنندج تظاهرات بزرگی در محلات مختلف شهر به راه‌انداختند. آنها طی شعارهایی اعتراض خود را به ورود ارتش به شهر نشان دادند، حکومت نظامی را محکوم و از پیشمرگان شهید تجلیل به عمل آوردند. به این ترتیب مقاومت و مبارزه مردم در اشکال سیاسی خود در شهر جریان دارد. خیلی از مردم حتی از پذیرفتن مواد غذایی کمکی امتناع می‌کنند. پیروزی در محله قطارچیان ضمن خودداری از گرفتن مواد غذایی، مشتی خاک از زمین برداشته و می‌خورد، پیروز دلاور با صدای بلند می‌گوید:

من این خاک را می‌خورم اما هرگز از برنج و روغن شما نخواهم خورد. در نمازجمعه‌ای که به امامت یک روحانی که از قم آمده است برگزار شد کمتر از ۱۰۰ نفر از شهری که ۱۲۰ هزار نفر جمعیت دارد شرکت کردند. شب گذشته برای دومین بار درگیری‌های وسیعی در اطراف فرودگاه سنندج رخ داد که به مدت دو ساعت ادامه داشت.

بوکان

ساعت ۱۱ صبح ۲ فروند هلی‌کوپتر بر فراز جاده بوکان - میاندوآب در روستای "ملا" به پرواز درآمده و با مسلسل‌های کالیبر ۷۵ این

مناطق را گلوله‌باران کردند. یک فروند هلی‌کوپتر نیز اطراف کوه "ناله شکسته" را به رگبار بسته و چند راکت به اطراف این روستا پرتاب نموده است. این پروازها در طول شب ادامه داشته است.

بانه

دو فروند فانتوم شهر بانه را به وسیله راکت مورد حمله قرار دادند. پادگان همچنان بین پیشمرگان و نظامیان تقسیم شده و جنگ سنگر به سنگر در داخل پادگان بانه جریان دارد. تیپ زرهی که قصد دارد برای جلوگیری از سقوط پادگان بانه عازم این شهر شود، هنوز به مقصد نرسیده است.

سنگر

شهر همچنان به وسیله توپ و خمپاره و کالیبر ۵۵ کوبیده می‌شود. پاسداران نمی‌توانند از مواضع خود که یک ماه قبل در آن مستقر شده‌اند، به جلو پیشروی نمایند به همین جهت تنها با خمپاره و گلوله‌باران شهر اکتفا می‌کنند. در اثر اصابت گلوله خمپاره شرکت اتوبوسرانی اطمینان در سقز آتش گرفته و ماشینهای داخل آن سوخته است. در اثر تیراندازی‌های اخیر دو کودک چهارساله و شش ساله به نام‌های محمد سلیمی و رحمان سلیمی و یک پیرمرد زخمی شده‌اند.

خوی

پرسنل پادگان خوی در اعتراض به جنگ تحمیلی کردستان و برای خودداری از رفتن به این منطقه متحصن شده‌اند.

شیراز

در شیراز نیز پرسنل پادگان متحصن شده‌اند. از قرار معلوم عده‌ای از پرسنل این پادگان نیز در دادگاه به اعدام و زندان محکوم شده‌اند که پرونده آنها به مرکز ارسال شده است.

جلدیان

دیروز و درگیری‌های در اطراف پادگان جلدیان در گرفت که عده‌ای از زاندارم‌های محل کشته شدند و پادگان پیرانشهر به حالت آماده باش درآمده است.

۲۸ اردیبهشت

سنندج

در اطراف سنندج جنگ هنوز ادامه دارد، در طول شب نیز درگیری‌ها در شهر شدت می‌یابد. مردم شهر به ویژه زنان از تفتیش خانه‌ها به وسیله پاسداران جلوگیری می‌کنند.



خلق مبارز کرد، در کنار سایر خلقهای دلاور ایران برای صلحی عادلانه و ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند تا لحظه‌های عشق و صلح و آزادی را به ارمغان آورند.

جنوب تهران

ساکنین قریه اسفندیاری را می‌خواهند

از خانه‌هایشان بیرون کنند

"ارباب می‌خواهد با پخش مطالب دروغین بین ما و اهالی زحمتکش منطقه تفرقه بیندازد." روستائیان مبارز قریه "اسفندیاری" واقع در جنوب تهران سالهاست که با ظلم و ستم فتوادل‌ها مبارزه می‌کنند طی سالهای اخیر اکثریت زمین‌های این منطقه توسط اربابها به تدریج قطعه‌قطعه شده و به عنوان زمین مسکونی به فروش رسیده است. فتوادل‌ها که به این ترتیب می‌خواهند روستائیان را از زمین‌هایشان بیرون کنند. اخیرا دست به حمله جدیدی زده‌اند و با انتشار مطالبی برای دروغ در مطبوعات از وسایل اینکه روستائیان مخالف اتحاد پارک برای صاحبان خانه‌های مسکونی هستند و با عده‌ای از خارج مستقر کرده‌اند سعی در تفرقه افکنی بین زحمتکش روستا ساکنین منطقه دارند. آنها به این ترتیب می‌خواهند جلوی گسترش مبارزات روستائیان برای مصاحبه زمین‌های خود را بگیرند. کشاورزان مبارز "قریه" درحالی که با هوشتاری با این اعمال تفرقه‌افکنانه زمینداران بزرگ مبارزه می‌کنند همچنان مصممند که زمین‌های خود را صادر کنند اعتراض خود را به مطالبی که در مورد مبارزات آنها در بعضی از مطبوعات، به دروغ منعکس شده است، اعلام داشته‌اند.

آنها در بخشی از اعتراضیه خود می‌نویسند: "اولا ما کشاورزان ساکنین این قریه سالهای سال است روی زمین‌های ارباب کار کرده و رنج برده‌ایم و با گذشت بیش از یک سال از انقلاب نه تنها املاک وسیع ارباب تقسیم نشده است بلکه ارباب برای خوش خدمتی به دولت قلع‌های که سال‌های سال در آن زندگی کرده‌ایم و باغ و زمین‌های مزروعی مجاور آن را به "عمران و بهسازی جنوب" و "شهرداری" بخشیده که آن را تبدیل به پارک کنند. "ارباب" با این حمله می‌خواهند دهقانان را بدون هیچگونه حق و حقوقی از زمین‌ها بیرون کنند. "ارباب" می‌خواهد با پخش دروغ‌هایی از مطبوعات ما عده‌ای از خارج منطقه زمین را تصرف کرده‌ایم و ما را بی‌پارک برای اهالی هستیم بین ما و اهالی زحمتکش منطقه تفرقه بیندازد." فتوادل‌ها که در برابر مبارزه به‌گیرانه روستائیان برای کسب حقوق خود، کاری از پیش نمی‌برند دست به حمله‌های مختلف از جمله ایجاد تفرقه بین زحمتکش می‌زنند. لیکن همراه با آگاهی روز افزون زحمتکش روستا این حربه آنها نیز کاری از پیش نخواهد برد و آنها را مجبور خواهند شد در برابر اراده انقلابی روستائیان سر تسلیم فرود آورند.

توضیح

در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ خبری نقل شده بود تحت نام "اعدام دو خلبان در اصفهان" در تاریخ ۹ اردیبهشت چنین اعدامی صورت نگرفته است و بدینوسیله خبر تصحیح می‌شود.

مبارزات روستائیان زحمتکش منطقه خرقان ساوه (روستای ویدر)

زحمتکش روستای "ویدر" همانند اکثر روستائیان میهنمان سالهاست که با زورگویی و ستم زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ روبرو هستند. تمام نارسایی‌ها و کمبودهایی که در گذشته وجود داشت و روستائیان به‌خاطر از بین بردن آنها علیه رژیم سابق به مبارزه پرداختند، امروز هم بر دوش اهالی این روستا سنگینی می‌کند. مبارزه مردم "ویدر" علیه زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران در سال ۵۶ - ۵۵ دامنه بسیار گسترده‌ای پیدا کرد. آنها به کمک جوانان آگاه روستا، در برابر تجاوزات "ایرج خان سفیر" حرجینی که زمینهای زراعی دهقانان را غصب می‌کرد، به مقاومت متحد و یکپارچه‌ای دست زدند و علیه حملات سرکوبگرانه زاندارم‌ری و پلیس آریامهرق مردانه ایستادند و سرانجام زمین‌های غصب‌شده‌شان را با اراده‌ای انقلابی پس گرفتند پس از قیام همراه با اوج‌گیری مبارزه زحمتکش روستا در سراسر ایران، اهالی "ویدر" نیز به حرکت انقلابی خود اوج تازه‌ای بخشیدند. آنها معدن روستا را که در تصرف سرمایه‌داری نام "یورفرزب" بود، به نفع خود صادره و مورد بهره برداری قرار دادند. سرمایه‌دار مزبور که از عوامل رژیم سابق است و امروز زیر قنای اسلام خیزیده و جا نماز آب می‌کشد، با مراجعه به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی، نامه‌ای به امضای آقای کنی دریافت می‌کند با این مضمون که اهالی روستا نمی‌بایست مزاحم کار وی شوند. او با استفاده از این نامه و به نصت پاسداران مردم را تهدید می‌کند که در صورت ادامه تصرف معدن آنها را به اتهام خرابکاری به دادگاه انقلاب اسلامی معرفی خواهد کرد. روستائیان بارها به مقامات مسئول مراجعه می‌کنند ولی همه‌جا با حمایت آنان از سرمایه‌دار مزبور فشار کمیته و پاسداران رضایت می‌دهند که در ازای دریافت مبلغ "مینی" در ماه اداره معدن را موقتاً به سرمایه‌دار مزبور بپسارند.

همه شهادت خلق کرد



دوره خلق فدائیان و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

گرماي باد خاطره رفقای شهيد اردیبهشت ماه

هر ماه برای سازمان ما، ماه شهادت، ماه مقاومت و ماه فدائیکاری در راه رهایی خلق است. خاطره رفقای که در سالیان ستم و دیکتاتوری، دلاورانہ بیخاستند و با نثار خون خود آرمان وفاداری و ایثار در راه خلق را آموزش دادند، بدون تردید همیشه ماندنی است. خاطره شهدای اردیبهشت ماه را گرمی میداریم اسامی رفقای که در اردیبهشت ماه به شهادت رسیده‌اند:

- علی اکبر جعفری • مریم پنجه شاهی • فرزاد دادگر • بهروز ارغمانی
- کاظم سعادت‌تی • محمدرضا قنبریور • عزت غروی • اسماعیل عابدی
- هادی فرجاد • جهانگیر باقری یور • فریده غروی • خلیل سلماسی نژاد
- حسین فاطمی • آرژنگ شایگان • میترا بلبل صفت • قربان علی زرکاری
- شیرین فضیلت کلام • ناصر شایگان • فرهاد صدیقی پناشکی • لادن آل آقا
- مرضیه احمدی اسکویی • بهروز دهقانی • محمود نمازی • مهدی حاتمی
- احمد رضا قنبریور • زهرا مدیرشانه‌چی

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

به مناسبت:
نودمین زادروز رفیق هوشی مین - پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام سی و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام و پنجمین سالگرد پیروزی کامل انقلاب در جنوب

رفقا، سلام‌های گرم ما را به مناسبت فرا رسیدن سالگرد این روزهای تاریخی که نقاطی درخشان در تاریخ مبارزات حماسی خلق برادر ویتنام علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و در جهت رسیدن به صلح، دموکراسی و سوسیالیسم می‌باشد بپذیرید.

حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق هوشی مین با درک عمیق مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر شرایط ویتنام و مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش کمونیستی ویتنام و جهان، توانست انقلاب ویتنام را به پیروزی کامل رسانیده، کشور را متحد ساخته، گام‌های عظیمی در راه ساختمان سوسیالیسم، دفاع از میهن سوسیالیستی و اجرای وظایف انترناسیونالیستی خویش بردارد.

خلق قهرمان ویتنام اسامی در شرایطی سالگرد این روزهای تاریخی را جشن می‌گیرد که در کشور خود گام‌های عظیمی در جهت پیشرفت اجتماعی، برقراری صلح، دموکراسی و ساختمان سوسیالیسم به جلو برداشته است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحت رهبری حزب پرافتخار کمونیست با برافراشتن پرچم انترناسیونالیسم پرولتاری، سهم عظیم خود را در پیشبرد انقلاب جهانی ایفا نموده است و مورد مباحثات کمونیست‌های سراسر جهان می‌باشد. طبقه کارگر و خلق‌های سراسر جهان و منجمله ایران همواره از مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر و مردم ویتنام در مبارزه انقلابی خود الهام گرفته و درس‌های آن را در مبارزات خود به کار بستند.

رفقای ویتنامی!
مردم ما اینک از هر سو با تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن روبرو است ما به پیروزی مردم خود بر امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن ایمان داریم. شما بدون تردید خروش مردم ما را که در عین حال صدای همبستگی آنان با خلق قهرمان ویتنام است شنیده‌اید. ما یک بار دیگر با خرسندی این پیام را برای شما بازگو می‌کنیم:
"امریکا تو خالیست، ویتنام گواهیست"
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن ابراز همبستگی انترناسیونالیستی خود با جمهوری سوسیالیستی ویتنام موفقیت‌های بیشتری را برای خلق قهرمان ویتنام و حزب شما آرزو می‌نماید.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - نودمین زادروز رفیق هوشی مین - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد است:

"باید بدانند ماشه را به خاطر چه و به سوی چه کسانی ... بقیه در صفحه ۱"

کرده‌اند. فرار پرسنل انقلابی ارتش از نقاط مختلف کردستان و خودداری آنان از شرکت در جنگ برادر کشی کردستان هر روز دامنه وسیعتری می‌گیرد. مبارزات پرسنل انقلابی ارتش، ادامه مبارزاتی است که بر محور استقرار شوراهای سربازان، درجه‌داران، افسران و افسران جزا به منظور ایجاد یک ارتش مردمی و دارای پیوندهای استوار با زحمتکشان صورت می‌گیرد.

نظامیان سرکوبگر در کردستان فاجعه می‌آفرینند و بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی از شورای انقلاب! جایزه می‌گیرند!!

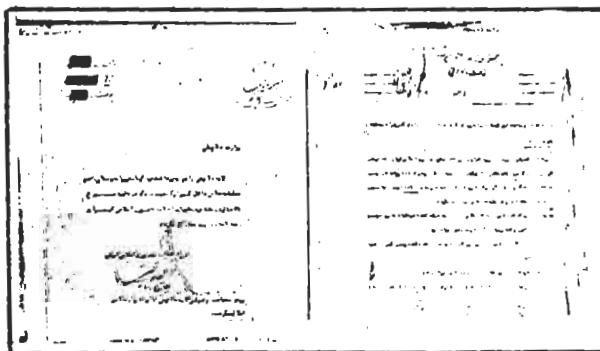
شورای انقلاب در تعقیب برنامه همه‌جانبه برای سرکوب خلق کرد از آغاز تهاجم به کردستان در فروردین ۵۸ با پرداخت ۹ واحد ضرب حقوقی به نظامیانی که در اکتشاف هم میهنان کرد ما شرکت می‌کنند، به استخدام مزدور پرداخته است. مبلغ اضافه شده به حقوق این عاملین کشتار خلق، در واقع چیزی نیست جز بخش، از حاصل دسترنج کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران اعم از کرد، ترک، ترکمن، بلوچ، عرب و فارس که بدینگونه توسط شورای انقلاب برای کشتار خود آنان به مصرف می‌رسد. نکته قابل توجه دیگر اینکه مبلغ فوق علاوه بر فوق العاده روزانه‌ای است که نظامیان در حین مأموریت سرکوبگرانه خود دریافت می‌دارند.

من سند:

جمهوری اسلامی ایران
وزارت دفاع ملی
لایحه قانونی پرداخت فوق‌العاده روزانه پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می‌نمایند:
ماده واحده

به هر یک از (افسران، درجه‌داران و همافران - درجه‌های مسلح جمهوری اسلامی ایران) اعم از کادر ثابت و وظیفه که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می‌نمایند علاوه بر فوق‌العاده روزانه که به موجب مقررات مربوط به آنان تعلق می‌گیرد، برای هر روز شرکت در عملیات بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی بعنوان فوق‌العاده مأموریت عملیات نظامی پرداخت می‌گردد.

تبصره ۱- فوق‌العاده مأموریت عملیات نظامی سراسر وظیفه شرکت کننده در عملیات سنندج در این قانون روزانه بر مبنای ۱ صریح حقوقی خواهد بود.
تبصره ۲- از فوق‌العاده مأموران مشمول این قانون نایت غذا و محل سکونت وجهی کسر نخواهد شد.
تبصره ۳- مقررات این قانون از تاریخ ۵۸/۱/۱ قابل اجراء می‌باشد.
تبصره ۴- نوع و مدت عملیات نظامی را ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌نماید.
(خوانانید) شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵۸/۸/۲۹
امضاء قطب‌زاده جمران



من سند:

بسمه تعالی
شورای انقلاب
جمهوری اسلامی ایران

وزارت دفاع ملی
لایحه قانونی راجع به پرداخت فوق‌العاده پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می‌نمایند که در جلسه مورخ ۵۸/۸/۲۹ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ می‌گردد.
شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
امضاء محمدحسین بهشتی
۵۸/۹/۱۴